



دکتر صدیقین دیل بیلیم درسلیگی

به کوشش:
محمد صادق نائبی

سرشناسه: محمدزاده صدیق، حسین، ۱۳۲۴ -
عنوان و نام پدیدآور: دکتر صدیقین دیل بیلیم درسلیگی / به کوشش محمدصادق نائی.
مشخصات نشر: تهران: تکدرخت، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری: ۹۶ص:، جدول. شابک: ۱-۰۷-۵۵۵۹-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا. یادداشت: ترکی.
موضوع: زبان ترکی آذربایجانی - دستور. موضوع: زبان ترکی آذربایجانی -- خودآموز
شناسه افزوده: نائی، محمدصادق، ۱۳۵۲ - گردآورنده
رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۸۵۲۵م/۳۱۲PL
رده بندی دیویی: ۴۹۴/۳۶۱۵
شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۶۳۷۷۱



دکتر صدیقین دیل بیلیم درسلیگی

به کوشش: محمد صادق نائی

سال نشر: ۱۳۸۸، محل نشر: تهران، شمارگان: ۲۰۰۰ جلد، نوبت چاپ: اول

آماده سازی: مؤسسه غیرتجاری دانش سپند وسیلان تلفن: ۶۶۷۲۵۵۵۹

سایت تخصصی دکتر صدیق: www.duzgun.ir

شابک: ۱-۰۷-۵۵۵۹-۶۰۰-۹۷۸

طرح جلد: سید احسان شکرخدایی

(عکس، استاد دکتر ح. م. صدیق را در حال تدریس

در اولین کلاس ترکی در سال ۱۳۶۹ در دانشگاه تهران نشان می‌دهد.)

فهرست

۸.....	جدول آسان خوانی متون ترکی
۱۰.....	چند کلمه
۱۲.....	مقدمه
۱۲.....	دکتر صدیق و جنبش آموزش زبان مادری در دانشگاه‌ها
۱۴.....	تنوع میدان‌های کاری استاد
۱۵.....	آثار استاد از زوایای دیگر
۱۵.....	دکتر صدیق و ترجمه
۱۶.....	دکتر صدیق و شعر
۱۷.....	دکتر صدیق و بازخوانی نسخه‌های خطی
۱۸.....	دکتر صدیق و احیای دواوین کهن
۱۹.....	دکتر صدیق و نشریات
۱۹.....	آثار استاد
۲۱.....	شناخت استاد
۲۹.....	زندگی استاد در یک نگاه
۳۲.....	راه استفاده از جزوه‌ی درسی استاد
۳۴.....	چاغداش نثریمیزدن نمونه
۳۴.....	چۆره‌ک آغاچې
۳۸.....	بیرینجی درس
۳۸.....	دۆنیا دیللیری
۳۸.....	دیللرین یارانېشی
۳۸.....	۱. یانسپلاما گۆرۆشۆ

۲. قارشېلاما گۆرۆشۆ..... ۳۹

۳. ایش گۆجۆ گۆرۆشۆ..... ۳۹

۴. اسلامى گۆرۆش..... ۴۰

قۇھوم دىللىر..... ۴۰

تک هجالي دىللىر..... ۴۱

بۆكۆملۆ دىللىر..... ۴۱

الف) ناقيص بۆكۆملۆ دىللىر..... ۴۱

ب) كامل بۆكۆملۆ دىللىر..... ۴۲

اکلمهلى دىللىر..... ۴۳

۴۴. ايکينجى درس

«کۆک» و «اک»..... ۴۴

کۆک kök نهدير؟..... ۴۴

اک ak نهدير؟..... ۴۴

ايكى چۆره اک..... ۴۵

دۆرد چۆره ياپيم اکلىرى..... ۴۶

الف) آددان آد دۆزهلدن اکلىر..... ۴۶

۶۰. اۆچۆنچۆ درس

ب) آددان فعل دۆزهلدن اکلىر..... ۶۰

ج) فعل دن آد و آد سۆيلو سۆزچۆكلر دۆزهلدن اکلىر..... ۶۵

د) فعلدن فعل دۆزهلدن اکلىر..... ۷۶

۸۱. دۆردۆنچۆ درس

شعر بيلگيسى..... ۸۱

ايكىلى اۆلچۆ..... ۸۱

دۆردلۆلر..... ۸۲

۸۲	بئشلىلر
۸۳	آلتېلار
۸۴	يئددىلر
۸۵	سكگىزلىلر
۸۵	دوققوزلولار
۸۵	اۈنلور
۸۶	اۈن بىرلىلر
۸۶	اۈن ايكىلىلر
۸۷	اۈن اوچلور
۸۸	اۈن دوردلور
۸۹	اۈن بئشلىلر
۸۹	اۈن آلتېلى
۹۱	بئشىنچى درس
۹۱	دئىم بىلگىسى
۹۱	۱. قابىلاشمىش سۆزجوكلر
۹۲	۲. اۈلچۈلۈ - اوياقلى
۹۳	۳. دانېشېق بېچىمىندە اولان دئىملر
۹۳	۴. بىر ناغىل و يا اولاي نتيجهسى
۹۴	۵. جمله بېچىمىندە اولان
۹۴	۶. دئىملردە آنلام
۹۵	۷. گئرچك آنلام
۹۵	۸. دئىم ايله اصطلاحېن فرقى
۹۵	۹. دئىم ايله آتالار سۆزلىرىن فرقى
۹۶	۱۰. دئىم ايله آرگۇنون فرقى

جدول آسان خوانی متون ترکی

۱. جدول واکنگاری

معادل حروف لاتین		مثال	نشانه‌های واکنگاری ترکی
almaq	A, a	آلماق (گرفتن)	آ، ل
əl	Ə, ə	ال (دست)	ا، ە، ه
ilan	İ, i	ایلان (مار)	ای، ی، یی، یی
qızıl	I, ı	قیزیل (طلا)	ای، ی، یی، یی
sol	O, o	سول (چپ)	او، و، و
söz	Ö, ö	سۆز (سخن)	او، و، و
ulduz	U, u	اولدوز (ستاره)	او، و، و
düzmək	Ü, ü	دۆزمک (چیدن)	او، و، و
yel	E, e	یئل (باد)	ا، ە، ه

۲. جدول آواکنگاری

معادل حروف لاتین		مثال	نشانه‌های آواکنگاری ترکی
buz	B, b	بوز (یخ)	ب / ب / ب
öpmək	P, p	اؤپمک (بوسیدن)	پ / پ / پ
toy	T, t	توی (جشن)	ت / ت / ت
Sürəyya	S, s	ثریا	ث / ث / ث
can	C, c	جان	ج / ج / ج
çaxmaq	Ç, ç	چاخماق (آتش زنه)	چ / چ / چ
Həvva	H, h	حوأ	ح / ح / ح
xaliq	X, x	خالیق	خ / خ / خ
daş	D, d	داش (سنگ)	د / د
zövq	Z, z	ذووق	ذ / ذ

bir	R, r	بیر (یک)	ر / ر
ziğ	Z, z	زیغ (گیل)	ز / ز
jalə	J, j	ژاله	ژ / ژ
sərin	S, s	سرین (خنک)	س / س / س / س
şəhid	Ş, ş	شهید	ش / ش / ش / ش
sidq	S, s	صیدق	ص / ص / ص / ص
zəlalət	Z, z	ضالالت	ض / ض / ض / ض
Tur-e Sina	T, t	طور سینا	ط / ط
zill	Z, z	ظَلّ	ظ / ظ
Cə`fər	'	جعفر	ع / ع / ع / ع
bağ	Ğ, ğ	باغ	غ / غ / غ / غ
fəna	F, f	فنا	ف / ف / ف / ف
qaş	Q, q	قاش (ابرو)	ق / ق / ق / ق
kəsmək	K, k	کسمک (بریدن)	ک / ک / ک / ک
gəzmək	G, g	گزمک (گشتن)	گ / گ / گ / گ
diləyim	Y, y	دیله گیم (آرزویم)	گی / گی / گی / گی
lalə	L, l	لاله	ل / ل / ل / ل
miskin	M, m	میسکین	م / م / م / م
incə	N, n	اینجه (ظریف)	ن / ن / ن / ن
vaxt	V, v	واخت (وقت)	و / و
hilal	H, h	هیلال	ه / ه / ه / ه
yaban	Y, y	یابان (دشت)	ی / ی / ی / ی

چند کلمه

کتاب حاضر در واقع جزوه‌ی درسی «آموزش زبان و ادبیات ترکی» است که بنده در سال‌های گذشته از کلاس درس استاد پرفسور دکتر محمدزاده صدیق گردآوری کرده‌ام و اکنون آن را به صورت منظم و منسجم به خیل عظیم دوستان در کلاس استاد ارائه می‌کنم.

این کتاب، برای آموزش زبان و ادبیات ترکی به دانشجویان در قالب دو واحد آموزشی و در عرض یک ترم تدریس می‌شد و به امید خدا در آینده، مطالب تخصصی آن را هم که در قالب دو واحد آموزشی و ترم تخصصی است، تدوین و به شیفتگان آموزش زبان و ادبیات ترکی تقدیم خواهد شد.

نخستین بار سنگ بنای حرکت پر برکت تدریس زبان ترکی را پرفسور صدیق در دانشگاه‌های ایران نهادند و در مدتی کوتاه بیش از هزار دانشجوی آگاه به زبان مادری را تربیت کردند که تعداد زیادی از آنان اکنون صاحب تألیفات متعدد و صاحب نظر در این زبان هستند.

بی تردید در دهه‌های گذشته، هیچ کس در ادبیات زبان ترکی آذربایجانی تأثیرگذارتر و مفیدتر از دکتر صدیق نبوده است و تأثیر این نابغه‌ی زبان و ادبیات بر ادبیات ترکی به مثابه‌ی تأثیر پرفسور حسابی بر فیزیک ایران بوده است. درخواست بسیار زیاد علاقمندان به زبان ترکی آذربایجانی به ارائه‌ی جزوات درسی کلاس‌های استاد، بنده را بر آن داشت تا با تدوین و تنظیم این دستنوشته‌ها آن را به علاقمندان تقدیم کنم. در پایان از دوست ارجمند آقای سید احسان شکرخدایی - که با ویرایش و صفحه‌آرایی این کتاب، به هرچه پسندیده‌تر شدن آن کمک کردند- قدردانی می‌کنم.

محمدصادق نائبی

بهار ۱۳۸۸

مقدمه

دکتر صدیق و جنبش آموزش زبان مادری در دانشگاه‌ها

ده سال از آن کلاس گذشت. گویا همین دیروز بود که گفتند: کلاس «آموزش زبان و ادبیات ترکی» در دانشگاه صنعتی اصفهان تشکیل می‌شود. سطح کلاس، مقدماتی بود اما مقام مدرس آن بسیار بالا بود. مگر امکان دارد استادی به بزرگی پروفیسور صدیق با آن نام و آوازه با بیش از صد جلد کتاب برای آموزش الفبای زبان ترکی هر هفته از تهران راهی اصفهان شود؟ بین دانشجویها بحث بود: «استاد فقط برای جلسه‌ی اول و جهت راه اندازی کلاس می‌آیند؟ نه! ایشان خودشان اعلام کردند که یک ترم کامل می‌آیند. تازه! معاون دانشگاه، مدارک استاد را جهت پرداخت حق التدریس خواسته است ولی استاد گفته‌اند: بابت تدریس زبان ترکی حق التدریس نمی‌گیرم.

مگر ممکن است استادی به آن عظمت و با آن سن و سال هر هفته ۵۰۰ کیلومتر راه بیایند که ابتدایی‌ترین گرامر را به ما تدریس کنند؟ به جای این کار می‌توانند در سطح دکترا تدریس کنند...».

خلاصه دانشجویها با استقبال فوق العاده‌ای به جلسه‌ی اول آمدند. هیچ کدام از کلاس‌ها ظرفیت آن تعداد از دانشجویها را نداشت. لاجرم کلاس را در تالار برگزار کردیم. استاد با آن شور و حالی که در جلسه‌ی اول داشتند تا آخر ترم آمدند و

دست ما را گرفتند و پا به پا بردند، تا شیوه‌ی راه رفتن آموختند. دانشگاه‌های تبریز، تهران، شهید رجایی، علم و صنعت، شهید بهشتی، ارومیه، زنجان، سمنان و ... نیز به برکت وجود این استاد خستگی‌ناپذیر، جنب و جوش فوق العاده‌ای به خود گرفت و لذت اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی مبنی بر آموزش زبان مادری را چشیدیم.

آنچه ما در آن یک ترم از استاد فرا گرفتیم، گذشته از آن که آموزش زبان و ادبیات ترکی باشد، آموزش نظم و انضباط بود، آموزش تعهد به دیگران بود، آموزش عشق و علاقه به زبان مادری بود، آموزش عشق به وطن بود، آموزش هنر ایجاد ارتباط معنوی و عاطفی بین گوینده و شنونده بود، آموزش این بود که جوانی انسان به دلی شاداب است نه موی سیاه، آموزش این که چون عشق حرم باشد سهل است بیابان‌ها و ...

آن یک درس تأثیر بسیار زیادی روی دانشجویها گذاشت. آنجا بود که فهمیدیم چرا در کشورهای پیشرفته، اساتید با سابقه و باسواد را برای علوم پایه اختصاص می‌دهند. برای این که معمار خشت اول را باید محکم و استوار بنهد تا بتواند استوار و سربلند تا ثریا برود. آنجا بود که فهمیدیم: در اوج باسوادی می‌توان به زبان عوام سخن گفت.

بسیاری از آن دانشجویها بعداً نویسندگان زبده و مؤلفان خبره‌ای شدند. از دل آن کلاس با پروژه‌های تحقیقی و تحلیلی تعریف شده، چندین کتاب به چاپ رسید و نشریه‌ی دانشجویی «دان اولدوزو» منتشر شد. تعدادی از دانشجویان آن روز، مدرسان، محققان و نویسندگان امروزند.

به هر روی، در کنار انتشار بیش از صد جلد کتاب، نزدیک به ده نشریه، بیش از

هزار مقاله و ده‌ها کنفرانس و سمینار داخلی و خارجی، باید تربیت بیش از هزار دانشجو در زمینه‌ی زبان مادری ترکی را به کلکسیون افتخارات ایشان بیافزاییم. سجایای اخلاقی و روح بلند استاد در چهل سال تلاش علمی و ادبی ایشان آن‌چنان زیاد بوده است که ده‌ها کتاب و صدها مقاله در باب ایشان منتشر شده است که به جرأت می‌توان گفت: هیچ استاد دانشگاهی این‌چنین دل و عقل دانشجویان خود را مجذوب نکرده است.

تنوع میدان‌های کاری استاد

دکتر صدیق تنها یک استاد ادبیات یا یک معلم تدریس‌کننده نیستند. تألیفات ایشان از دوران جوانی به چاپ می‌رسد، با راه‌اندازی نشریات مختلف، ترک زبانان را از مسایل روز آگاه می‌کنند و توانمندی این زبان در بیان مطالب سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیره را نشان می‌دهند، بعد از سی سال تدریس زبان و ادبیات فارسی در مدارس و دانشگاه‌های کشور، ظاهراً بازنشسته می‌شوند. اما گویا جوانی استاد تازه شروع می‌شود. استاد بعد از بازنشستگی نهضت عظیم «آموزش زبان ترکی» را در دانشگاه‌های کشور راه‌اندازی می‌کنند و در عرض چند سال بیش از هزار دانشجوی آگاه به الفبای زبان مادری تربیت می‌کنند. مقالات هفتگی ایشان در نشریات منطقه و کشور، مردم را با مشاهیر آذربایجانی و ادبیات ترکی آشنا می‌کند. تحقیقات ایشان در سمینارها و کنفرانس‌های داخلی و خارجی مطرح می‌شود.

تسلط شگرف استاد به زبان‌های ترکی ایرانی، ترکی استانبولی، ترکی کشورهای آسیای میانه، ترکی باستان، عربی، فارسی، انگلیسی و روسی و توانایی عالی در قرائت خطوط کهن ترکی و فارسی منجر به بازخوانی نسخ خطی کهن و سنگ

نبنشته‌های دیرین می‌شود. آشنایی نزدیک با اساتید ادبیات و شاعران معاصر، باعث تکوین ادبیات این عصر توسط ایشان می‌شود. تسلط ایشان به انواع قالب‌های شعری ترکی و فارسی منجر به خلق دواوین مختلف شعری می‌شود. چاپ بیش از یک میلیون نسخه از کتاب‌های شیعه‌شناسی در جمهوری‌های تازه استقلال یافته باعث معرفی شیعه به آن‌ها می‌شود. چاپ بیش از صد جلد از کتاب‌های ایشان، زبان ترکی آذربایجانی را در ایران به قله خود می‌رساند و ...

آثار استاد از زوایای دیگر

(شعر، ادبیات، موسیقی، دین، تاریخ، دیرینه خوانی)

تاکنون چندین بار آثار پروفیسور دکتر صدیق از زوایای مختلف بررسی شده است و نیازی به تکرار آن‌ها و معرفی آثارشان نیست اما از زاویه‌ای دیگر می‌توان به صورت موضوعی، آثار استاد را بررسی کرد. غالباً استاد در دوره‌های مختلف زندگی خود، در یک زمینه به فعالیت اصلی پرداخته‌اند و دیگر فعالیت‌های ایشان به صورت فرعی بوده است. لذا موضوع و زمان دو مقوله‌ای است که در بررسی آثار ایشان بدان پی می‌بریم و در ادامه بدان‌ها خواهیم پرداخت:

دکتر صدیق و ترجمه

ترجمه‌های استاد غالباً در دو محدوده‌ی زمانی بوده است: تعدادی از ترجمه‌ها پیش از وقوع انقلاب اسلامی بوده است و تعدادی دیگر پس از استقلال جمهوری‌های شوروی.

ترجمه‌های پیش از انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۸ ادبی و سیاسی بوده

است. ترجمه‌ی کتاب‌هایی مانند: «پیرامون پیدایش انسان» اثر کرمیاتسکی یا «انقلاب بورژوازی» در انگلستان اثر یفیموف نیز به نوعی به ادبیات و تاریخ آذربایجان مرتبط بوده است اما ترجمه‌ی کتاب‌هایی مانند «نظامی شاعر بزرگ آذربایجان» اثر برتلس، «گفتارهایی پیرامون مسایل زبانشناسی ایران» از زبانشناسان آذربایجان، «مسایل ادبیات دیرین ایران»، «مسایل ادبیات نوین ایران»، «مقالات ایران‌شناسی» اثر پژوهندگان شوروی سابق نیز در تکمیل منابع ضعیف زبان و ادبیات ترکی آذربایجانی بوده است. استاد با احساس کمبود منابع تحقیقی در زمینه‌ی زبان و ادبیات ترکی در طول این سال‌ها به ترجمه‌ی منابع متقن خارجی همت می‌گمارند. قسمت دوم، ترجمه‌های استاد در سال‌های ۷۱ و ۷۲ با هدف معرفی شیعه به ترک‌زبانان جمهوری‌های ترک زبان صورت می‌گیرد و کتاب‌های «شناخت معصومین»^(ع) در ۱۴ جلد، «خداشناسی»، «توحیدشناسی»، «چهل حدیث» در باب شرب خمر، «معادشناسی»، «احکام اسلام»، «چهل حدیث» در ۱۴ جلد و «عدالت الهی» منتشر می‌شود.

دکتر صدیق و شعر

به جز اشعاری مانند «کیچیک شعرلر» در سال ۱۳۵۷، به ندرت ایشان اقدام به جمع‌آوری اشعار خود در طول چند سال کرده‌اند. کتاب‌های شعری استاد غالباً موضوعی و اتفاقی بوده و در مدت زمان بسیار اندک سروده شده است. با رفتن به اردبیل، «اردبیل لوحه‌لری» تنظیم می‌شود و با رفتن به زنجان و تبریز و باکو، به ترتیب «زنگان لوحه‌لری»، «تبریز یوللاریندا» و «باکی لوحه‌لری» سروده می‌شود. به خاطر مدیریت کنگره‌ی «میرزاجهانگیرخان قشقای» و زندگی چند روزه در

میان قشقائیان، «قشقایی لوحه‌لری» خلق می‌شود. در رثای دوست دوران نوجوانی خود، «صمد بهرنگی» سه روز گوشه‌نشین شده و «صمد بهرنگی منظومه‌سی» از دل او به زبان می‌آید. هنگام تحقیق پیرامون مشروطیت، «شیخ محمد خیابانی حماسه‌سی» را می‌سرایند.

ملاحظه می‌شود که اشعار استاد بالبداهه، موضوعی و برگرفته از وقایع جاری زندگی ایشان است و غالباً در مدتی کوتاه، هنگام رویارویی با حوادث و وقایع خاص سروده شده‌اند. اشعار ایشان دارای مضامینی عالی و بلند، همراه با تعمقی علمی است. برای نمونه در کتاب کوچک شعر «زنگان لوحه‌لری»، نه تنها شاعر بلکه خواننده نیز باید دارای مطالعات عمیق تاریخی و ادبی باشد تا بتواند مضامین بلند شعری ایشان را متوجه شود. کمتر شعری از دکتر صدیق وجود دارد که بدون محتوای علمی و صرفاً عاشقانه و عاطفی باشد.

دکتر صدیق و بازخوانی نسخه‌های خطی

دهه‌ی اخیر در زندگی پروفیسور صدیق و خدمات علمی و ادبی ایشان به ادبیات ترکی و متعاقب آن به ادبیات جهانی باعث شده است که به اذعان ترکی‌دانان و ترکی‌مدانان، ایشان علمی‌ترین و پرکارترین چهره‌ی ادبی معروف باشند که توانایی کسب نخستین جایزه‌ی نوبل علمی توسط یک ایرانی را دارند. قطعاً بازخوانی و احیای تنها یکی از کتاب‌های ایشان مانند «دیوان لغات الترک» از جانب یک شخصیت علمی کافی است تا نام ایشان در تاریخ ادبیات جاودانه بماند ولی گستردگی کارهای علمی ایشان بسیار فراتر از کتاب مذکور است. به عنوان نمونه، کتاب «قارا مجموعه»ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی از غربت ۸۰۰ ساله‌ی اعصار به

قربت دست‌های عالمان و جویندگان رسید و به جهانیان معرفی شد؛ «گلشن راز» ترکی پس از ۶۰۰ سال کشف و بازخوانی شد؛ دیوان‌های شاعران بزرگ به صورت کامل بازخوانی و با مقدمه‌ای کامل، عالمانه و مبسوط به جهان معرفی شد؛ «محاکمه اللغتين» امیرعلیشیر نوایی پس از ۶۰۰ سال منتشر شد؛ «یوسف و زلیخا»ی فردوسی که برخلاف شاهنامه، از معنویت و اتحاد و دوستی صحبت کرده است، پس از هزار سال بازخوانی و احیا شد؛ سنگ نبشته‌های اورخون چین با کهن‌ترین الفبای بشری بازخوانی و مطالب آن به فارسی و ترکی توضیح داده شد و با نام «سه سنگیاد باستانی» انتشار یافت؛ برای نخستین بار اشعار ترکی مولوی توسط کتاب «سیری در اشعار ترکی مکتب مولویه» معرفی گردید و ...

منتظر می‌مانیم تا ببینیم در سال‌های آتی کدام یک از شاهکارهای ترکی به جهانیان معرفی خواهد شد.

دکتر صدیق و احیای دواوین کهن

دکتر صدیق در طول شش سال گذشته، دواوین بزرگ شاعران نامدار ترکی زبان را به صورت علمی و آکادمیک احیا کرد. از آن نظر می‌توان بازخوانی‌های ایشان را علمی و آکادمیک نام نهاد که اولاً تمام دیوان را بازخوانی کرده و کار نیمه تمام ارائه نکرده‌اند، مقدمه‌های مبسوط درباره‌ی هر دیوان و شاعر آن نوشته‌اند که قطعاً هر کدام از آن مقدمه‌های گسترده، با یک رساله‌ی دکترا برابری می‌کنند به نحوی که خواننده با مراجعه به آن مقدمه، در باب آن موضوع از پراکندگی فکری و سردرگمی به نگرش و جمعیت خاطر می‌رسد. نمایه‌های تحقیقاتی ایشان در انتهای کتاب‌ها مانند: کشف الایات، فهرست نام افراد و اماکن، استخراج آیات و روایات و

مهم تر از همه، توضیح و شرح کلمات و جملات دشوار، کارهایی علمی و تحقیقاتی است که ارزش علمی آثار ایشان را نشان می‌دهد.

بازخوانی دیوان‌های ترکی «فضولی»، «نباتی»، «سیدعظیم شیروانی»، «نسیمی»، «غریبی»، «گلشن راز ترکی شیخ الوان» یا «نصاب اعتماد تبریزی» و دیوان‌های فارسی «فضولی»، «نباتی» یا «یوسف و زلیخا»ی فردوسی از آن جمله‌اند.

بی‌تردید با انتشار این دیوان‌ها، بالندگی و بلوغ ادبیات در ایران عیان می‌شود.

دکتر صدیق و نشریات

دکتر صدیق در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی با دردی که از فشارهای حکومت نژادپرست و ملی‌گرای سلطنتی دیده بود، دست به انتشار نشریات مختلفی زدند تا ضمن آگاه ساختن مردم از مطالب روز، از نعمت آزادی بیان و نوشتن به زبان مادری سخن گویند.

دکتر صدیق در این راستا نشریاتی مانند: «انقلاب یولوندا»، «آزادلیق»، «یولداش»، «یئنی یول» و «بولتن» را منتشر کردند و به مدت ۱۴ سال، نشریه چهار صفحه‌ای سهند متعلق به روزنامه‌ی اطلاعات را به صورت هفتگی چاپ کردند که متأسفانه با غرض ورزی و حسادت یکی از نمایندگان ظاهراً فرهنگی شهر تبریز، تحت مدیریت آن نماینده رفت و پس از انتشار چند شماره تعطیل شد.

آثار استاد

در اینجا مجالی است تا عناوین بیش از صد جلد از کتاب‌های دکتر حسین محمدزاده صدیق را به شکل الفبایی نام ببریم:

آتا! ای ظلم گزوموش مکتبین بایراقداری، آثاری از شعرای آذربایجان (فارسی)، آذربایجانین شهید عالیملری، اردبیل لوحه لری (شعر)، آرزوی و قمبر (فارسی)، از پیدایی انسان تا رسایی فتودالیسم در آذربایجان، از انزلی تا تهران، اسلام احکامی، آشنایی با رسالات موسیقی، افضل الدین خاقانی شیروانی، آل محمد (ص) تاریخینده تشریح و محاکمه، امثال لقمان، انقلاب بورژوازی در انگلستان، اوچغون داخما (شعر)، اوچونجو امام، حضرت حسین (ع)، ایچگی و ایچگی ایچمک حاقیندا قیرخ حدیث، ایلاهی عدالت، باکی لوحه لری (شعر)، برگزیده دیوان کبیر (شمس تبریزی)، برگزیده متون نظم و نثر ترکی، به سروده های زرتشت، بیر بؤلوک دورنا (شعر)، بیرینجی امام، حضرت علی (ع)، پنج نمایشنامه، پیرامون پیدایش انسان، پیغمبر تانیم، تبریز یوللاریندا (شعر)، توحیده چاغری، چهار تیاتر و رساله ی اخلاقیه، چیل مایدان، حضرت پیغمبر (ص) دن قیرخ حدیث، حضرت جعفر صادق (ع) دن قیرخ حدیث، حضرت حسن عسکری (ع) دن قیرخ حدیث، حضرت علی النقی (ع) دن قیرخ حدیث، حضرت فاطمه زهرا (س) دن قیرخ حدیث، حضرت محمد تقی (ع) دن قیرخ حدیث، حضرت مهدی (ع) دن قیرخ حدیث، حضرت موسی کاظم (ع) دن قیرخ حدیث، خرس قولدورباسان (نمایشنامه)، خلاصه ی قانون کار، در شناخت هنر و زیبایی، دنیای قصه ی بچه ها، دوقلوهای ترک (داستان)، دیوان لغات الترك، دیدی از نوآوری های حبیب ساهر، دیوان اشعار ترکی نباتی، دیوان اشعار ترکی بایرک قوشچو اوغلو، دیوان اشعار ترکی حکیم ملامحمد هیدجی، دیوان اشعار ترکی سید عظیم شیروانی، دیوان اشعار ترکی سید عمادالدین نسیمی، دیوان اشعار ترکی ظفر اردبیلی، دیوان اشعار ترکی غریبی و تذکره ی مجالس شعرای روم، دیوان اشعار ترکی فضولی، دیوان اشعار ترکی مسیحی، دیوان اشعار ترکی ملا پناه واقف، دیوان

اشعار فارسی عشقی، دیوان اشعار فارسی فضولی، دیوان اشعار فارسی نباتی، رند و زاهد فضولی، زندگی و اندیشه‌ی نظامی، زندگی و خلاقیت قوسی تبریزی و میرزا شفیع واضح، زنگان لوحه‌لری (شعر)، سایالار، سنگلاخ، سه سنگیاد باستانی، سیری در اشعار ترکی مکتب مولویه، سیری در رساله‌های موسیقایی، شرح غزل‌های صائب تبریزی، شیخ محمد خیابانی منظومه‌سی (شعر)، صمد بهرنکی منظومه‌سی (شعر)، عاشیقلا، قارا مجموعه، قاشقایی لوحه‌لری (شعر)، قاعده زبان ترکی عبدالعلی خلخالی، قصه‌های کچل، قصه‌های روباه، قواعد زبان ترکی طیب آشتیانی، قوپوزنوازان دلسوخته‌ی آذربایجان، قیسا سؤزلر، کیچیک شعرلر، کیمیاگر (نمایشنامه)، گزیده‌ی متون نظم و نثر ترکی، گفتارهایی پیرامون مسایل زبانشناسی ایران، گلشن راز شبستری به روایت شیخ الوان ولی، گوللر آچاجاق (شعر)، گونشلی وطن یادداشتلاری، الله تانیما، لیلی و مجنون ملا محمد فضولی، متون ادبی هنر، مجموعه (شعر)، محاکمة اللغتين، مسایل ادبیات دیرین ایران، مسایل ادبیات نوین ایران، مطلع الاعتقاد فی معرفة المبدأ و المعاد، معاد تانیما، مقالات تربیت، مقالات فلسفی میرزا فتحعلی آخوندزاده، ملا عبدالله زنوزی و زنوزیه مکتبی، موسیو ژوردان (نمایشنامه)، نسیمی (درام تاریخی در سه پرده)، نصاب اعتماد، نظامی شاعر بزرگ آذربایجان، نمایشنامه‌های میرزا آقا تبریزی، هامی اوچون اخلاق، هامی اوچون اسلام، واقف شاعر زیبایی و حقیقت، یادمان‌های ترکی باستان، یورد غزللری (شعر)، یوسف و زلیخای فردوسی .

شناخت استاد

دکتر حسین محمدزاده صدیق در ۱۵ تیرماه ۱۳۲۴ در محله‌ی باستانی سرخاب

تبریز واقع در دامنه‌های کوه «عینالی» دیده به جهان گشودند. پدرشان نوهی آقا میرعلی سرخابی صاحب کتاب «ربیع الشریعه» و پیشنماز مسجد آقا میرعلی و مادر ایشان، دختر عباسقلی خان با اصلیت اردبیلی و از رزمندگان خوشنام نهضت مشروطه و قیام شیخ محمد خیابانی بود که در گیر و دار مشروطه به تبریز کوچیده و در محله‌ی سرخاب ساکن شده بود. مادر پرهیزگار ایشان، نام حسین را به او برگزید تا یاد آور روشننگری‌های امام حسین (ع) باشد. در کودکی او را به مسجد جامع تبریز فرستادند و در آنجا نزد «آقا میرزا غلامحسین هریسی»، «آقا میرزا عمران» و مرحوم «وقایعی مشکات تبریزی» به تعلیم قرآن، فلسفه اسلام، فقه، احکام و اصول دین مشغول شد. پس از آن، ایشان را به مکتب خانه فرستادند. حسین که ۸ یا ۹ سال داشت به خاطر استعداد و تیزهوشی، در مسجد و گاهی در منزل آنچه را آموخته بود به افراد بی‌سواد محله تعلیم می‌داد و توانست تعداد زیادی از آنان را باسواد کند.

در سال ۱۳۳۱ پدرش به عنوان مسؤول پست و تلگراف به روستای خمارلو در مرز شوروی اعزام شد. حسین، فرزند ارشد خانواده کلاس اول ابتدایی را در روستای خداآفرین گذراند. پس از آن مجدداً به تبریز بازگشتند و در مدارس خیام و حکمت به ادامه تحصیل مشغول شدند. یکی از وقایع تلخ دوران کودکی استاد درگذشت پدربزرگ مادری بود. مؤانست با عباسقلی خان - پدربزرگ مادری - در دوران کودکی در شکل‌گیری بلندنظری و آرمان‌جویی‌شان تأثیر بسزایی داشت.

در سال ۱۳۳۷ تحصیلات ابتدایی را به پایان رسانیده و در رشته‌ی علوم ادبی در دبیرستان مشغول به تحصیل شدند. استعداد فراوان و عشق‌شان به ادبیات تا حدی بود که در دبیرستان او را «شاعر» خطاب می‌کردند. یکی از نوآوری‌های ایشان این بود که نکات کلیدی و مهم دروس دبیرستان از جمله ریاضی، فیزیک و دروس طبیعی را

– برای سهولت در یادگیری – به صورت شعر در آورده بودند. ذوق سرشار ایشان باعث شد تا در همان سنین نوجوانی برای خود کتابخانه‌ای بسازند و به هر کدام از کتاب‌ها مهر زده و شماره‌ی ثبت مخصوص بدهند.

از جمله‌ی نکات بارز دوران نوجوانی استاد، آشنایی، مطالعه و تلاش وافر ایشان از اواخر دوره‌ی راهنمایی برای یادگیری الفبای اوستایی و خواندن متون مربوط به آن است. این مهارت باعث شد که استاد دروس دبیرستان خود را به زبان ترکی و به الفبای اوستایی بنویسند، و این در حالی بود که همکلاسی‌ها سعی می‌کردند از این خطوط غریب سر در بیاورند.

پس از طی دوران تحصیل در دانشسرا، مشغول به تدریس در روستاهای آذربایجان از جمله «هریس» شده و در همان حال به تحصیل در رشته‌ی ادبیات دانشگاه تبریز همت گماشتند. ایشان در کلاس‌های درس، خواندن و نوشتن را به شاگردانشان به زبان آذربایجانی آموزش می‌دادند. این کار در رژیم پهلوی در دسرهای فراوانی را برایشان به همراه آورد ولی همچنان پایمردی کردند.

و اما نخستین مقاله‌ی ایشان «فرشته میترا و عید مهرگان» بود. در همین زمان‌ها افرادی چون صمد بهرنگی، علیرضا اوختای، بهروز دهقانی، بهروز دولت آبادی و مفتون امینی با استاد مجالست داشتند که حاصل این نشست‌ها نشر مجله‌ی «آدینه» بود. این نشریه که به زبان ترکی نوشته می‌شد، اولین تلاش جدی آنان در دوران خفقان شاهنشاهی جهت گسترش و احیاء زبان مادری بود. مقالات این جوانان صاحب اندیشه، پس از آن در نشریات دیگر سراسر کشور از جمله: خوشه، امید ایران، وحید، ارمغان، راهنمای کتاب و . . . انتشار یافت. ایشان مقاله‌ی «داستان‌های دده قورقود» را در همین زمان نوشته و در مجله وحید چاپ کردند.

در اثر همین حرکت‌ها مردم با گنجینه‌های علم و ادب خطه‌ی آذربایجان هر چه بیشتر آشنایی حاصل کردند. گنجینه‌هایی که در زیر گرد و غبار خودکامگی ستمشاهی پنهان شده بود. در سال ۱۳۴۷ مجله «هنر و اجتماع» را در تبریز به دو زبان ترکی و فارسی منتشر ساختند که پس از چاپ هفتمین شماره، توسط ساواک دستگیر و به زندان روانه شدند. پس از مدتی از زندان آزاد گردیدند، لیکن مسئولان آن زمان، مدرک لیسانس‌شان را تا سال ۱۳۵۰ نگه داشتند و ندادند. دو سال قبل از این تاریخ (۱۳۴۸) توسط دانشگاه استانبول برای تحصیل در دوره‌ی دکتری پذیرفته شدند ولی دولت وقت، ایشان را ممنوع الخروج کردند.

در سال‌هایی که در دبیرستان‌های اردبیل تدریس می‌کردند با همکاری دانش آموزان به گردآوری فولکلور و ادبیات شفاهی آذربایجان همت گماشته و سعی کردند در جلسات خصوصی به دانش آموزان، خواندن و نوشتن به زبان مادری را بیاموزند. به همین دلیل ساواک در شهر اردبیل استاد را احضار کرده و ۴۱ روز تحت آزار و بازجویی قرار دادند. اما نتوانستند تهمت خود را دال بر وابستگی به احزاب اثبات کنند. لاجرم ایشان را فقط به جرم اقدام علیه امنیت کشور به دادگاه نظامی کشاندند و ایشان را به شش ماه زندان و پنج سال تعلیق از خدمات دولتی محکوم کردند. پایمردی و استواری‌شان باعث شد که در زندان هم به آموزش زبان ترکی مشغول شوند و به این خاطر مدتی را نیز در انفرادی محبوس گردیدند. استاد در همین ایام، سه دفتر شعر با عنوان «قالادان قالایا»، «هانی بس یولداشین اوردک» و «ساواش نغمه‌لری» سرودند که آن دفترچه‌ها را به هم‌بندان خویش سپردند لیکن آن هم‌بندان حق امانت را به جا نیاورده و تا کنون آن دفترچه‌ها را به ایشان تحویل ندادند.

پس از آن که از زندان آزاد شدند، ایشان را مجبور به ترک تبریز کردند. لاجرم به تهران آمدند تا به کاری مشغول شوند. در این زمان در انتشارات امیرکبیر به عنوان ویراستار و به صورت تدریس غیر رسمی در هنرستان به کار پرداختند. بعد از گذشت مدتی در صدا و سیما مشغول به کار شدند. اما پس از نه ماه، از طرف ساواک رد صلاحیت گردیدند. از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷ وارد دوره‌ی تازه‌ی انتشار کتاب‌های خود شدند. استاد در این سال‌ها در اولین کتابشان تحت عنوان «واقف، شاعر زیبایی و حقیقت» به بررسی کوتاه در زمینه‌ی تاریخ ادبیات ترکی می‌پردازند. از جمله دیگر کتاب‌ها می‌توان «قصه‌های روباه در ادبیات شفاهی آذربایجان»، «داستان‌های کچل در ادبیات شفاهی آذربایجان»، «تمایشنامه‌های میرزا آقا تبریزی»، «منظومه‌ی آرزوی و قمبر»، «تاریخ آذربایجان»، «فلسفه تکاملی»، «انقلاب بورژوازی در انگلستان» و... را نام برد. ایشان در همین سال‌ها کتاب «عاشیق‌لار» را چاپ کردند که نخستین تحقیق در این زمینه بود.

در همین ایام در دانشگاه تهران در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدند و همچنین از طرف کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به عنوان مترجم دعوت به کار شدند. در آنجا کتاب‌های زیادی از جمله «دوقلوهای ترک»، «چیل میدان»، «قارا آت» و «دوقلوهای ایرانی» را برای کودکان آماده‌ی چاپ کردند. در سال ۱۳۵۷ «جمعیت فرهنگ آذربایجان» را تأسیس کرده و نشریه‌ی «یولداش» و «آزادلیق» را منتشر ساختند. و سرانجام پس از پیروزی انقلاب اسلامی جهت تحصیل در مقطع دکتری در دانشگاه استانبول، عازم کشور ترکیه شدند. و در سال ۱۳۶۲ در رشته‌ی زبانشناسی تطبیقی ترکی، فارسی و عربی با پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «اخلاق و رساله‌ی اخلاقیه‌ی میرزا آقا تبریزی» فارغ التحصیل شدند و علیرغم دعوت بعضی

از کشورهای همسایه جهت تدریس در دانشگاه‌هایشان - به خاطر همان روحیه‌ی حرکت پیوسته و آهسته - مجدداً به کشور ایران بازگشتند. استاد، خود چکیده‌ی پایان‌نامه‌ی خویش را در آن سال‌ها چنین نگاشته است:

«موضوع اصلی تز دکترای اینجانب تقدیم متن «رساله‌ی اخلاقیه» اثر میرزا آقا تبریزی و تحلیل آن است از این رو تز در چهار بخش تدوین شده است: بخش اول پس از مقدمه بیبلوگرافی و اختصارات، ناظر به گزارش زندگی میرزا آقا است. بخش دوم شرح آثار او، بخش سوم تحلیل رساله‌ی اخلاقیه و بخش چهارم متن فارسی اثر مذکور را شامل می‌باشد. در بخش اول کوشش بر این بوده است که خلاصه‌ای از شرح زندگی میرزا آقا تبریزی تنظیم شود. از آنجا که در این زمینه با قلت منابع روبرو هستیم به دو طریق دست یازیدیم:

اول آنکه بیش از همه به خود رساله‌ی اخلاقیه و دیگر آثار او توجه کردیم، همچنین درباره‌ی پدر میرزا آقا اطلاعاتی در برخی منابع نظیر: «مجمع الفصحا»، «گنج شایگان» و «ریحان‌الادب» به دست آوردیم، دوم اینکه به شرح زندگی شاعران معاصر میرزا آقا پرداختیم و از راه مقایسه‌ی آنان با صاحب رساله‌ی اخلاقیه اطلاعات مفید و مهمی اخذ کردیم. به طور مثال در جایی از این بخش به مقایسه‌ی زندگی و افکار میرزا آقا با فراماسونر معروف، میرزا ملکم خان - که بیشتر آثار وی به میرزا ملکم خان نسبت داده شده است - پرداختیم و انتساب آن‌ها را به میرزا آقا به اثبات رساندیم. از جمله دلایلی که در این زمینه آوردیم این است که: اولاً میرزا آقا تبریزی در نامه‌ای که به تاریخ ۱۳۸۸ ه. ق به میرزا فتحعلی آخوندزاده نوشته است، خود را معرفی می‌کند و می‌گوید که تاکنون او را ندیده است. در حالی که می‌دانیم میرزا ملکم خان هشت سال قبل از این تاریخ (۱۸۶۳) در استامبول با

آخوندزاده ملاقات کرده است و در تفلیس مهمان او شده بود. دوم اینکه میرزا آقا در آثار خود همه جا اصطلاحاتی نظیر «دین مبین ما»، «مذهب ما» و «میهن ما» به کار می‌برد و ما می‌دانیم که ملکم خان صاحب چنین روحیه‌ای نیست و این اصطلاحات را با کلماتی نظیر مسلمانان، اهل اسلام، ایرانیان، عجم‌ها و غیره عوض می‌کرده است. و نیز می‌دانیم که ملکم خان از اسلام و مسلمانان بیزار بود و اسرار حکومت‌های ملل مسلمان را به غربیان می‌فروخت. در حالی که میرزا آقا در این آثار چندین جا سعادت ملل مسلمان و نجات آن‌ها را از اسارت روس و انگلیس آرزو می‌کند.

در این زندگی‌نامه‌ی تطبیقی، مناسبت میرزا آقا با اشخاصی نظیر میرزا یوسف خان مستشارالیه و میرزا عبدالرحیم بخارزاده تبریزی، ملک‌المتکلمین و میرزا آقاخان کرمانی باز نموده می‌شود. در بخش دوم تز، آثار میرزا آقا تبریزی به بحث گذاشته می‌شود و در این بخش پس از بحث مختصری پیرامون پیدایش نثر نوین فارسی در قرن گذشته خلاصه‌ای از هر یک از پنج نمایشنامه‌ی میرزا آقا تبریزی و تحلیلی از آن‌ها به دست داده می‌شود. و نیز روزنامه‌های «استقلال»، «تاله‌ی ملت» و «حشرات الارض» معرفی می‌شود. در بخش سوم تز، به تحلیل رساله‌ی اخلاقیه می‌پردازیم. از آنجایی که اثر به علم اخلاق مربوط می‌شود، پس از بحث کوتاهی پیرامون اخلاق و موضوع و اقسام آن، ترجیحاً پیرامون علم اخلاق و جای آن در یونان باستان و شرح نسبتاً مبسوطی از علم اخلاق در اسلام تحت عنوان «اخلاق در ادبیات اسلامی» و نشان دادن اشکال اخلاق اسلامی به آیات شریفه‌ای نظیر: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ

عَبَثًا»^۱ «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۲ «أَيُخْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَتْرَكَ سُؤْيَ»^۳ «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِأَعْيُنٍ»^۴ از کتاب «اخلاق» ترجمه‌ی حنین بن اسحاق و «تفسیر» شرح فارابی و ابن مسکویه و کندی سخن به میان می‌آید و سپس از امتهات کتب اخلاق که به فارسی نوشته شده است، گفتگو می‌شود و پس از دادن خلاصه، کلیه‌ی چهارده فصل و مقدمه و مؤخره‌ی رساله‌ی اخلاقیه‌ی اثر مورد بحث، تحت عناوینی نظیر: مقاصد تربیتی در رساله‌ی اخلاقیه، موضوعات دینی و فلسفی و جبریه و اختیاریه، مناسبت با متون دینی اسلامی، توجه به آیات و احادیث و غیره تحلیل می‌شود.

بخش چهارم نیز، متن رساله‌ی اخلاقیه را شامل است که برای نخستین بار از روی نسخه‌ای به خط خود مؤلف - که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران محفوظ است - به جهان علم شناسانده می‌شود. در انجام متن فهرس اسما اشخاص، امکانه، کتب، قبایل، السنه و غیره آورده می‌شود. شیوه‌ی کار برای تهیه‌ی متن علمی آن در صفحه‌ی ۱۸۴ از تز تشریح شده است.

در دوران پس از انقلاب اسلامی مجدداً دعوت به کار شدند و به تدریس - هم در تربیت معلم و هم در دانشگاه‌ها - اشتغال ورزیدند. در طی این سال‌ها همچنان به تحقیق، ترجمه، تألیف و تدوین کتب مختلف همت گماشتند. در سال ۱۳۵۹ نشریه‌ی «انقلاب یولوندا»، و در سال ۱۳۶۲ نشریه‌ی «یئنی یول» را راه اندازی کردند. در

^۱ مومنون / ۱۱۵.

^۲ زاریات / ۵۶.

^۳ قیامت / ۳۶.

^۴ انبیاء / ۱۶.

سال ۱۳۶۴ در کنار تدریس، به عنوان مترجم رسمی قوهی قضائیه مشغول به کار شدند. و در سال ۱۳۶۹ «هفته‌نامه‌ی سهند» (ضمیمه‌ی روزنامه اطلاعات) را به زبان ترکی، به تنهایی به مدت پانزده سال برای چاپ آماده کردند. در این اثناء برای تدریس زبان و ادبیات ترکی و فارسی در سراسر ایران از هیچ کوششی فروگذار نکردند. از آن جمله تدریس در دانشگاه شهرهای: تبریز، ارومیه، اردبیل، تکاب، همدان، اصفهان، قزوین، زنجان، سمنان و شیراز را می‌توان نام برد. تا آن که در سال ۱۳۷۳ ایشان را بازنشسته کردند ولی استاد دمی از پای ننشست. هم اکنون استاد - این غواص دریای معنی - با کوله‌باری از تجربه‌ی علمی و روحیه‌ای وارسته از تمّیّات مادی به سفتن دُرر و گهر ادبیات ایران زمین مشغول هستند.

زندگی استاد در یک نگاه

تحصیلات:

۱. دیپلم دانشسرای مقدماتی. سال اخذ دیپلم: ۱۳۴۲، محل: دانشسرای مقدماتی تبریز.
۲. دیپلم کامل. رشته: ادبی. سال اخذ مدرک: ۱۳۴۳.
۳. لیسانس: زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز. سال ورود: ۱۳۴۴. سال اخذ مدرک: ۱۳۴۸.
۴. فوق لیسانس: زبان‌شناسی کهن ترکی در دانشگاه استانبول. سال ورود: ۱۳۵۸. سال اخذ مدرک: ۱۳۶۰.
۵. دکتری (PH.D) زبان و ادبیات تطبیقی فارسی، ترکی و عربی در دانشگاه استانبول. سال ورود: ۱۳۶۰. سال اخذ مدرک: ۱۳۶۲.

سوابق شغلی:

- معلم و مدیر دبستان: از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۸.
- دبیر دبیرستان‌های آذربایجان شرقی از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۰.
- دبیر دبیرستان‌های تهران از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷.
- ویراستار بخش بین‌المللی انتشارات امیر کبیر از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷.
- مدرس تمام وقت مراکز تربیت معلم تهران از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۳.
- بازنشسته از تربیت معلم در سال ۱۳۷۳.
- مترجم رسمی قوه قضائیه از سال ۱۳۶۴ تا کنون.
- مسئول بخش بین‌المللی انتشارات بعثت و نظارت بر نشر ۳۰۰ عنوان کتاب به زبان‌های کشورهای همسایه و آسیای میانه از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۳.
- مسئول انتشار هفته‌نامه‌ی سهند وابسته به روزنامه‌ی اطلاعات برای جمهوری‌های قفقاز از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۱.
- استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان.
- استاد دانشگاه سوره.
- استاد دانشگاه تهران (دانشکده ابوریحان پاکدشت).
- استاد دانشگاه‌های تهران، صنعتی شریف، شهید بهشتی، صنعتی اصفهان و غیره (تدریس زبان و ادبیات ترکی آذری و استانبولی).

سخنرانی‌ها:

۱. سخنرانی در کنگره‌ی بین‌المللی نظامی گنجوی تبریز ۱۳۷۰.
۲. سخنرانی در کنگره‌ی بین‌المللی خواجه در کرمان، ۱۳۷۳.
۳. سخنرانی در کنگره‌ی بین‌المللی حافظ در شیراز، ۱۳۷۱.
۴. سخنرانی در کنگره‌ی بین‌المللی ابن سکتیت در اهواز، ۱۳۷۴.

۵. سخنرانی در کنگره‌ی بین‌المللی سبک آذربایجانی در ارومیه.
۶. سخنرانی در کنگره‌ی بین‌المللی حکیم میرزا جهانگیر خان قشقایی در اصفهان، ۱۳۷۷.
۷. سخنرانی در کنگره‌ی کتیبه و متون در شیراز، ۱۳۸۲.
۸. سخنرانی در کنگره‌ی بین‌المللی ت ر کولوژی در استانبول، ۱۹۸۲.
۹. سخنرانی در هفتمین کنگره‌ی جهانی نویسندگان آذربایجان در باکو ۱۹۸۱.
۱۰. سخنرانی در کنگره‌ی زبان و ادبیات ترکی در دانشگاه غازی آنکارا، ۲۰۰۴.

فعالیت‌های مطبوعاتی استاد آن گونه که از خودشان شنیده‌ایم از سال ۱۳۳۸- هنگامی که در دوره‌ی اول دبیرستان (معادل دوره‌ی راهنمایی امروزی) تحصیل می‌کردند- شروع شد. ایشان در دبیرستان لقمان تبریز تحصیل می‌کردند. بعدها ساختمان این دبیرستان تخریب شد و امروزه ساختمان فرمانداری در آن قرار دارد. در سال‌های تحصیل در آنجا روزنامه‌ی دیواری ماهانه به اسم «اخگر» را انتشار می‌دادند.

اولین مقاله‌ی ایشان تحت عنوان «میترا و جشن مهرگان» در سال ۱۳۴۴ در یکی از شماره‌های فصلنامه‌ی اداره‌ی کل فرهنگ آذربایجان شرقی انتشار یافت. و اولین نشریه‌ای که به صورت مستقل، اداره و منتشر کردند «هفته‌نامه‌ی هنر و اجتماع» بود که از هفتمین شماره در آذرماه ۱۳۴۷ توقیف شد. بعد از آن، فعالیت‌های مطبوعاتی دیگری را در پیش گرفتند که از آن جمله می‌توان موارد زیر را نام برد:

۱. «ادبیات در عصر نوین» با استفاده از امتیاز روزنامه‌ی عصر نوین در تبریز.
۲. «شعر و ادب آذری» با استفاده از امتیاز «مجله‌ی امید ایران» در تهران.
۳. «یولداش».

۴. روزنامه‌ی «آزادلیق».
۵. ماهنامه‌ی «انقلاب یولوندا».
۶. فصلنامه‌ی «یئنی یول».
۷. «بولتن»
۸. هفته‌نامه‌ی «سهند» ضمیمه‌ی روزنامه‌ی اطلاعات.

راه استفاده از جزوه‌ی درسی استاد

استاد عادت داشتند که هر یک سطر از این جزوه‌ها را دقایقی چند می‌شکافتند و گاهی مفهوم یک سطر درس را مدتی طولانی با مثال‌های کافی به راحتی برای دانشجویان تفهیم می‌کردند. ان شاء الله من در آینده این شرح‌های نگاشته شده‌ی خودم را انتشار خواهم داد. فعلاً در اینجا خوانندگان برای استفاده‌ی کامل به عرایض زیر توجه کنند:

۱. عدد ذکر شده بعد از هر اک (استاد اک را در فارسی پی افزوده می‌گویند) نشانه‌ی چند شکلی بودن آن است. مثلاً [۲] an یعنی این اک دو شکل an / an را دارد و ایل [۴] یعنی چهار شکل il / il / ol / ol .
۲. ارقام بعد از اشعار نشانه‌ی تقطیع آن‌هاست. مثلاً ارقام (۴ + ۴) پس از شعر «اوما اوما دؤندوک موما» یعنی این شعر هشت هجایی دارای تقطیع ۴ هجا + ۴ هجاست.

محمد صادق نائبی

میانه - ۱۳۸۸

دکتر ح. م. صدیق

تۆرکجه دیل بیلیم درسلیگی
(ایران دانشگاهلاریندا تدریس اۆچون)

دانشگاه صنعتی اصفهان - ۱۳۷۸

چاغداش نثریمیزدن نمونه

چۆرهک آغاجی

برهمن دئدی:

- بابا آدم دؤورۆندهن بری اریک آغاجی، خورما آغاجی، تورونج آغاجی
زومره سینده بیرده چۆرهک آغاجی وار ایمیش.

بارلی آغاجی تانری یاراتدی، چۆرهک آغاجی نی دا: انسان!
شاعیر امیرلره، خانلارا مدیحه یازماقلا، وزیرلر پادشاها یالتاقلانماقلا،
ندیمه لر ملکه نین حسن و جمالین تعریف له مکله، جین گیرلر جین توتماقلا ...
جلادلار باش کسمکله: حیاتلاریندا اۆزلری اۆچۆن، خزان بیلمز بیر افسونکار
آغاج یارادپیلار، او ایسه چۆرهک آغاجی دیر.

آما پادشاهیم! بیر عجایب، چۆرهک آغاجی دا وار، اودا حکیملیک چۆرهک
آغاجیدیر. حکیملیک چۆرهک آغاجی دا ایکی نوعدی: بیر بوداقلی، ایکی
بوداقلی!

فارس حکیملری نین یالنبز بیر بوداقلی چۆرهک آغاجی اولورسا، تهراندا

تۆرك حكيملىرى نين ايكي بوداقلې چۆره ك آغاچې وار. بونلار تۆرك ناخوشلار
ايله فارسجا دانېشارلار كى اۇنلارې اۆزدن گۆزدن ائله ييب، معاينه پولونو
آزاتماسېنلار!

هر هانگى تۆرك حكيمى همشهري لريله تۆركجه دانېشارسا، اۇنون باشېنا او
بلالر گلير كى اولو دريدن اولان حكيم باشېنا گلدى.

راى سۇروشودو:

- نئجه دى او حكايته؟

برهمن دئدى:

حكايته

- بيري وار ايميش بيري يوخ ايميش، دۇنيادا يالتاق شېلتاق آدم چوخ
ايميش، بير تۆرك حكيم باشې سې دا وار ايميش كى عزرائيل ديريلرى
اۆلدۆرهنده، او عيسى كيمي اۆلؤلرى ديريلدويمش!

دئيرلر كى بير گۆن حكيمين شاگردلرى اۇندان خواهيش ائديرلر كى اۇنلار
اۆچۆن تۆرك ديلينده، بير علمى كنفرانس وئرسين حكيم ايسه باشلار
فارسجا دانېشماغا!

شاگردلر دئيرلر كى: اوستاد تۆركۆ دانېش!

حكيم دئير: عزيزلريم! من سيزله فارسجا دانېشېرام، سيزده فارسجا دانېشېن!
شاگردلردن بيري گئجه دده سيندن سۇروشار: گۆره سن اوستاد نيه فارسى

دانېشېر؟

دده دئير: اوغلوم بوندا بير حكمت وار

- نه حكمتى

- قولاق آس دئییم

سنین اوستادین اولان حکیمین گوئی آلتیندا تایی یوخدور، اؤنون شهرتی بۆتۆن ایرانی قاراداغا قدهر بۆرۆر

بیر گۆن بیر کندلی آرواد یامان ناخۇشلار، اهره گئده، تبریزه گئده، بیر چۇخ حکیملره اۇزۇنۇ گۆرسه در، حکیملرده اونا درمان وئره لرلر یاخشی اۇلماز، فالچی لارا باش وورار دوعا یازارلار، بهره وئرمز. آخیرده جانینی دیشینه قېسېب، اینه گینی ساتار، اوتوبوسا مینر، بودورها تهرانا گلیر، حکیمین سوراغین توتار، حکیمین یانینا گئده نه جک یازبق آروادین پوللاری آزالار. بیر آزین قاراژدار، بیر نئچه تۆمینین یؤل اؤسته قهوه چیلر، و بیر نئچه تۆمینین تاکسی سۆرؤجۆسۆ الیندن آلر.

وار یۇخ آروادین اؤن تۆمنی قالبر، اؤنو یایلېغېنېن اوجونا دۆگۆملۆر. اؤغلوم سۆزۆ اوزاتمايېم، آرواد حکیمین قاپېسېن دۆگر، ایچهری گیره. حکیم آروادی معاینه ائده، نسخه یازار، مات- مات باخار آروادین اۇزۇنه: چېخارت معاینه پولونو وئر؛ دئمک ایسته یر. کندلی آرواد اوتانا-اوتانا یایلېغېنېن اوجونو آچار، بئش تۆمن حکیمین میزی اؤسته قویار! حکیم آروادین اؤستۆنه چېغېرار: باجې! یۆز تۆمن وئره جکسن، نه بئش تۆمن.

آرواد ایسه یالوارماغا باشلار: آی حکیم باشې! قاداتان آلېم! اینه گیمی ساتدېم، دوروب بو خارابایا گلدیم کی سن منی ساغالداسان ... آخې قوربان اولوم سنه پوللارېمی یۆللاردا، لوتولار الیمدهن آلېشلار ... واللله، بیللاه! اؤنجا تۆمن

پولوم قالب بئش تومن سن گۆتۆر بئش تومن ده منیم حکیم زنگی وورار،
نوگری چاغېرار:

- بو ديلنچى نى سال ائشيگه.

و او گۆندن برى حکیم، چۆرهک آغاچې کسيلمه سين دئيه، تۆرکی دانېشماز
كى دانېشماز!

حبيب ساهر

بیرینجی درس

دۇنيا دىللىرى

دىللىرىن يارانېشى

دىللىرىن يارانېش مسألهسى ھەر زامان انسانى مشغول ائتمىشىدۇر. بو مسأله اۆزەرىندە بىلگىنلەر چۆخ دۇشۇنمۇش و چىشىدىلى گۇرۇشلار اورتايا قۇيموشلار. بىلىم دونياسى ايندىه كىمى قىمى و كىمى بىر نظرىه يە ال تاپمامىشىدۇر. ان تانىمىش گۇرۇشلار، بونلاردېر:

۱. يانسېلما گۇرۇشۇ

بو گۇرۇشە گۇرە، انسان ھەر بۇلگەدە، طبیعتدە و يان - يۇرەسىندە اۇلان سىللىرى تىقلىد ائتمك و اۇنلارې انكشاف وئرمكلە، دىل يارادا بىلمىشىدۇر. بو گۇرۇشە گۇرە، طبیعت انسان اۆچۇن يارادېچىلىق قايناغى حساب اۇلور. انسان، قوشلارېن، آغاجلارېن، سويون، يىلین و يۇرەسىندە كى ھەر وارلېغېن تۇرە تىدىگى سىللىرى، يانسېلما چالېشمېشىدۇر. بونا گۇرەدە، بۇلگەلردە كى سىللىرىن و

شرطلرین دگیشیک و فرقلی اۆلدوقلاری اۆچۆن، دیللردە دگیشیک اۆلموشلار. تۆرک دیلی نین یاراندىغی بۆلگه لرین، بوزلاق و سبجاق بۆلگه لر کیمی باغلی سسلی بۆلگه لر اۆلمادىقلاری اۆچۆن، تۆرک دیلی ان یئتگین و گنیش دیل اۆلاراق یارانمیشدیر.

۲. قارشىلاما گۆرۆشۆ

بو گۆرۆشه گۆره، انسان گۆردۆگۆ و یا تاثيرلنديگي هر اولاي و حادثه قارشىسپندا، بير سس چىخارميشدیر. بو سسلرین یئتگینلشمه سی نتیجه سینده دیل یارانمیشدیر. چئشیدلی بۆلگه لردە، قارشىلامالارین دا چئشیدلی اۆلدوغو اۆچۆن، دیلر چئشیدلی اۆلموشلار. اۆرنه گین بوزلاق یئرلردە کی قارشىلامالار، سبجاق بۆلگه لردە کی قارشىلامالار ایله دگیشیر. اونا گۆره ده دیلر دگیشیک اۆلموشلار.

تۆرک دیلی نین یاراندىغی بۆلگه لر، بوزلاق و سبجاق بۆلگه لر کیمی «باغلی قارشىلامالی» یۆخ بلکه «گنیش قارشىلامالی» بۆلگه لر اۆلدوقلاری اۆچۆن، بو بۆلگه لردە یارانان دیلر، ان یئتگین و ان گنیش و هر اینجه دویغونو بیان ائده ییلن دیل اۆلموشدور.

۳. ایش گۆجۆ گۆرۆشۆ

بو گۆرۆشه گۆره انسانلار، بير یئرە ییغلیب، بيرگه ایشلەدیکلری زامان، ایش واختیندا، تک و یا بیرلیکده، چۆخلو سسلر چىخارماق و اشارەلر ایجاد ائتمه گه باشلادیقلاریندان سۆنرا، دیلرین یارانیشی باشلانمیشدیر. بو گۆرۆشه

گۆره چوخ ایش گۆجۆ اولان ائللرین، دیللیری یئتگین اولموشدور. تۆرکلرین باشادېقلارې بۆلگه لرین، ایلین هر دۆرد فصلینده ایشلمه گه اویغون اولدوغو اۆچۆن، یاراتدېقلارې دیل ده، بوزلاق و سېجاق بۆلگه لرده کی یارانان دیلله گۆره، داهادا یئتگین و گئیش دیل اولموشدور.

۴. اسلامی گۆرۆش

اسلام مدنیتی تاریخینده ده، دینی اینانجلارا دایاناراق، دیل یارانېشی حاققېندا چوخ سۆیله ییشلر اولموشدور. بو سۆیله ییشلرین هامېسی، آشاغېداکی آیەنین آنلامېندان قایناقلا نېر:

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ.^۵

بو مبارک آیەنین آنلامېنا گۆره اوجا تانرې نېن انسانلارا باغېشلادېغې یئتگینلیک، اۇنلارا دیل یاراتما گۆجۆ وئرمیش و بئله لیکله اۇنلار ملک لردن داها یوخارې اولموشلار. علامه طباطبایى بو حاقدا گتیردیگی گئیش تفسیر سۇنۇندا، نتیجه آلبرکی «اسماء» دان مقصد، دۇنیا دیللیرى دیر و تانرې نېن طرفیندن انسانلارا دیللیرى یاراتما و اۆیره نمه گۆجۆ بخش اولونموشدور.

قۇھوم دیلر

یئر اوزهریندکی دیللیرین قۇھوملوغو، ایکی تمل موضوع اۆستۆنده آراشدېرېلېب اینجه له نیر:

^۵ بقره/ آیە ۲۳.

بيريىنجى تمل، ديللرين تۇرەنديگى يئرلر و بۇلگەلرين بنزەر و قۇھوم
 اۇلمالارې، ايكىنجى تمل ايسە ديللردە اۇلان سسلرين بنزەرليگى، سۇز
 داغارجېغى و جملة بيجيمى دير.

ديلچيلر، ديللرى تانېما اۇچۇن بو ايكى تملى، اللريندە اساس اۇلچۇ ائتميش
 و يئر اۇزەريندەكى ديللرى اۇچ قۇھوم بۇلگۇسۇنە بۇلمۇشلر:

تک هجالي ديللر

بو ديللردە هر سۇزجۇك بىر هيچادير و هر انلام اۇچۇن دە بىر سۇزجۇك
 واردېر. سۇزجۇكلر، چكىم، بوكوم و اك الماقدان اوزاقدېرلار. جملةنى قوران،
 بىر نئچه چكىمسيز و بۇكۇمسۇز سۇزجۇكلردير كى جملةنى دە چكىمسيز و
 بوكومسوز حالا گتيرير.

بو ديللر آراسېندان، چينجه، ويتنام دىلى، جاوا دىلى، تبت دىلى، بورما، سيام
 دىلى و آفريقادا ياشايان بىر چۇخ ديللر، اۇ جملةدن بانتو ديللرينى آد آپارماق
 اۇلار.

بۇكۇملۇ ديللر

بو ديللردە هر سۇزجۇگۇن بۇكۇلدۇگۇ يا تركيب تاپماسى ايله يئنى
 سۇزجۇك يارانېر. بۇكۇملۇ ديللر ايكيه آيرېلېرلار:

الف) ناقيص بۇكۇملۇ ديللر

بو ديللردە بىر آز چكىم اۇلدوغو اۇچۇن، بوكوم (تركيب) و چكىم (تصريف)

بیرلیکده گئچکله شیر و بو زامان کۆکده کی اۆنلۆ و اۆنسۆز ایتیر و دگیشیر و سۆزجوگۆن کۆودهسی ده بۆکۆلۆر. اۆرنک فارسجادان:

داشتن ← ندارم

ساختن ← می سازم

پالودن ← می پالایم

گۆرۆلدۆگۆ کیمی، بورادا بۆکۆم و چکیم چۆخ ابتدایی فورمادا و قانونسوز دور. بو دیلرده ناقیص اکلمه ده واردبیر. بئله کی سۆن اکلر کۆکه و یا گۆوده یه یاپیشاراق، سۆزجوکلر تۆره ده بیلر.

یونانجا، آلمانجا، فرانسېزجا، فارسجا و «هیند – اوروپا» قوندارما آدی ایله تانېنان دیلر «ناقیص بۆکۆملۆ» دیلر دندیرلر. بو دیلرین ان یئترسیزلی ائرمیجه، توخارجا، سغدجا، کوردجه و تالبشجادیر.

ب) کامل بۆکۆملۆ دیلر

بو دیلر، کۆکدن بۆکۆملۆدۆرلر. بو دیلر، فارس دیلچیلری «قالبی» دیلرده دئمیشرلر. بو دیلرده سۆزجوک بۆکۆمۆنه قانون حاکیمدیر. اۆرنگین، فعلین کۆکۆ باشقالاشماقلا، دیلده جوره – جوره آنلاملار اۆچۆن، بیر قانون اساسبندا، دگیشیک و مختلیف فورمالار یارانیر. اۆرنک عربجه دن:

خرج ← اخراج، تخرج، استخراج و ...

بۆتۆن حامی – سامی آدی ایله تانېنان دیلر، اؤ جمله دن عربجه کامیل بۆکۆملۆ دیلر دیرلر.

هابئله آکادجا، عبرانیجه، سوریا نیجه، آرامیجه و اوقاربتجه ده بو دیلردن

سايىلېر مېشالار. بو ديللرين چۇخو اۇلمۇشلر.

اكلمهلى ديللر

بو ديللره «التصاقى»، «بېتېشىملى»، «باغلانتېلى» و «چكىملى – بۆكۈملۆ» دىيىلىر. يئر اوزوندهكى ديللرين ان يىتگين، قانونلو و گئنىش ديللردىرلر. بو ديللرده، كۆك هئچ زامان دگىشمز. بونا گۆره بو ديللره «كۆكلمه» ده دىيىلىر. يعنى كۆكلره اكلر آرتېر بلاراق، يىنى سۆزجۆكلر يارانېر. بو ديللر «اۇن اكلى» و يا «سۇن اكلى» و يا «اۇن اكلى – سۇن اكلى» اۇلا بيلرلر. همده بو ديللرده اسم، ضمير و فعللرده چكىم و جمله بېچىمىنده موسيقىلى بوكوم واردىر. اۇرنك تۆركجه دن:

گۆز ← كۆك

+ هل ← گۆزهل (اكلمه)

+ يم ← گۆزه ليم (چكىم)

+ دير ← گۆزه ليمدير (بوكوم)

يئر اۆزۆندهكى ديللر آراسېندان، ژاپون، كۆره، فين، مجار، ساموئيت ديللىرى و تۆركجه ميز اكلمهلى ديللردىرلر.

اكلمهلى ديللر آراسېندان، تۆركجه باشدا گئدير و يئر اۆزۆنۆن ان يىتگين دىلى سايىلېر. بونا گۆره بىر نئچه بيلگين بئله ظن ائتمىشلر كى تۆركجه دۇنيا ديللىرى نين اناسې سايىلېر و بۆتۆن ديللرى تۆركجه دن آيرېلمېش سايىرلار.

ایکینجی درس

«کۆک» و «اک»

کۆک kök نەدیر؟^۶

تۆرکجه میزده کۆک تک هجالی سۆزجۆ کدۆر و دوزلمه سۆزجۆ کلرین تملی سایلیپر و ایکی جوره دیر: ۱. اسم کۆکۆ، ۲. فعل کۆکۆ. اسم کۆکۆ فعل اولماز و فعل کۆکۆندن ده اسم کۆکۆنه کنچیلمز. ادات و ضمیرلر ایسه فعل اولانماز و لاکین اسم اولای بیلرلر. اولارې باشقا کۆک سایمېرېق. بعضی کۆکلر ایسه جوت آنلاملې دېرلار. یعنی هم اسم و هم فعل کۆکۆ سایلیپرلار. «داد-» کۆکۆ کیمی. بئله کۆکلر اسکی تۆرکجه میزده بیر آنلاملې ایدیلر.

فعل کۆکۆ حرکت بیلدیرر و لاکین اسم کۆکۆنده حرکت آنلامی یۆخدور.

اک k نەدیر؟

بیر اولۆ و یا بیر اولۆ و نئچه اونسۆزدن قورولان، کۆکۆن و یا گۆوده^۷ نین

^۶ ریشهی بسیط تک هجایی.

^۷ ریشهی مرکب از دو هجا و بیشتر.

سۈنونا آرتېرېلان، اۈنون دورومونو تعيين ائدن و يا يئنى سۈزجۆك تۈرەدن و تكلېكده آنلامې اۈلمايان تك سس و يا سس بېرلشېمېنه «اك ak» دئېلېر. بئله لېكله، دئيه بېلەرىك كى «اك» بېر و يا داھا چۈخ سسدىن قورولار. تۈركجەمىزدە كى اكلر، باشقا دېللردە اۈلان اۈن اك (= پېشوند)، ايچ اك (=میانوند) سۈن اك (= پسوند)لرە بنزەمز. تۈركجەمىزدە بېر تك اك ايله، باشقا دېللردە بېر چۈخ سۈزجۆك قورولوشو ايله چاتدېرېلان آنلامې چاتدېرماق اۈلار. تۈركجەمىزدە اكلر تك هجالي اۈلورلار و دالبادال بېر - بېرىنه ياپېشېب بېر اكلر زنجىرى قورا بېلرلر. مېثال:

فارسچىلاشدىر اماراد بقالرېمېز دانمې سېنېز ؟ (۱۳ اك)
(Fars+çı+laş+dır+a+ma+dıq+lar+ı+mız+dan+mı+sin+ız)

ايكى جۈرە اك

تۈركجەمىزدە اكلر «ياپېم اكى» و «چكىم اكى» اۈلاراق ايكيه ايرېلېرلار. ياپېم اكى كۆك خميرىندىن يئنى سۈزجۆك دۈزەلدر. ياپېم اكلرى چۈخ ايشلك و زنگىندىرلر. تۈركجەمىزدە بو يۈل ايله مېنلر يئنى سۈزجۆك تۈرتمك اۈلار. و بو باخېمدان تۈركجەمىز اينانېلماز درجەدە زنگىن بېردىلدىر. اۈتوز ايكى دىل بېلن و ۱۹۸۶-نجى ايلدە دىل يارېشماسېندا دۇنيادا بېرىنجى لېك قازانان Johan Vandewalle بېلگى سايار ياردېمې ايله گۆسترمېشىدىكى تۈركجە اكلر يالېز بېر فعله يۈزمېنلر يئنى آنلام گتېرە بېلر. اكلر ايله سۈزجۆك تۈرەيش يۈللارېنې اۈيرەنە بېلسك، دېلېمىزى يابانچې سۈزجۆكلر ايله پوزماياجاغېق.

دۆرد جۆره یاپیم اکلری

تۆرکجه میزده یاپیم اکلری دۆرد جۆره دیر:

۱. آد کۆکۆندن و یا گۆوده سیندن آد دوزلدن اکلر.
 ۲. فعل کۆکۆندن و یا گۆوده سیندن آد دوزلدن اکلر.
 ۳. آد کۆکۆندن و یا گۆوده سیندن فعل دوزلدن اکلر.
 ۴. فعل کۆکۆندن و یا گۆوده سیندن فعل دوزلدن اکلر.
- بو اکلرین هر دۆردۆ آد و یا فعلین کۆک و یا گۆوده لرینه یاپیشیب، یئنی سۆزجۆک دۆزه لدر.

الف) آددان آد دۆزه لدن اکلر

آددان آد دوزلدن هر بیر اک، آدین کۆک و یا گۆوده سیننه یاپیشار، یئنی بیر آد و یا آدسویلو سۆزجۆک دۆزه لدر. بو اکلرین بیر نئجه سیننی آشاغیدا سبرالایریق:

آن [۲] an / ən

- ایشلک لیگینی بوگون ایتیرمیش آدا یاپیشان کیچیلتمه اکی دیر:

اوغول ← اوغلان

ار ← ارن

قېز ← قېزان

ای [۲] ay / əy

- اسکی تۆرکجه میزده ایلگی گۆسترن اک ایمیش:

گۆن ← گۆننى

قوز ← قوزنى

ايل [۴] il / ɪl / ül / ul

• بو اک اسكى زامانلاردا ايشلك ايميش:

ياش ← ياشېل

قېز ← قېزېل

• بو اک طبيعتده اولان سسلردن ايكيلمه دۆزهلدر:

پير ← پيريل - پيريل

شير ← شيريل - شيريل

اينجى [۴] inci / incɪ / üncü / uncu

• بو اک سايلارا ياپېشار و ترتيب گۆسترن ساي دۆزهلدر:

بير ← بيرينجى

اون ← اونونجو

اللى ← اللينجى

يوز ← يوزونجو

مين بير ← مين بيرينجى

جا [۲] ca / cə

• بو اک آد و آدسويلو كۆك و گۆودهله ياپېشار و بنزه رليك، بيرليك و

نسبت يا گۆره ليك آنلاملارې وئرر:

دلى ← دليجه (دلى كيمى)

یاش ← یاشجا (یاش باخیمبندان)
 من ← منجه (منه گۆره)
 بیز ← بیزجه (بیزه گۆره)
 سیز ← سیزجه (سیزه گۆره)
 شوونیست ← شوونیستجه (شوونیسته گۆره)

• اولوسلارین آدلارینا یاپیشار، دیل و یا یاربم دیل آدلارین دۆزهلدر:
 تۆرک ← تۆرکجه
 فارس ← فارسجا
 کۆرد ← کۆردجه
 گیلک ← گیلکجه
 تالبش ← تالبشجا
 عرب ← عربجه
 فرانسبز ← فرانسبزجا
 انگلیس ← انگلیزجه
 روس ← روسجا

• بو اک سایلار و صیفتلرده یاپیشار و اؤنلارا بنزهرلیک آنلامی و یا
 درجه وئزر:
 بیر ← بیرجه (یالنیز)
 چۆخ ← چۆخجا (چۆخا بنزهر)
 آز ← آزجا (آزا بنزهر)

گۆزل ← گۆزلجه (گۆزله بنزه)

قېسا ← قېساجا (آز قېسا)

اوزون ← اوزونجا (بیرآز اوزون)

ایکی ← ایکیجه (یالینز ایکی)

• بو اک زامان آنلامی دا وئرد:

اول ← اولجه

آیلار ← آیلاجا

ایللر ← ایللرجه

• بو اک یئر آدلاری دا دۆزهلدر:

قېزېل ← قېزېلجا

داشلې ← داشلېجا

قوملو ← قوملوجا

گۆی ← گۆیجه

جیک cik / cık / cük / cuk (۴)

• بو اک آد کۆکۆ و یا آد گۆوده سیننه یاپېشار و سئوگی و یا کیچیلتمه و

صیفتلرده آرتېرما گۆسترن سۆزجۆکلر تۆرهدر:

اؤ ← ائوجیک (کېچېک اؤ)

اینجه ← اینجهجیک (چوخ اینجه)

آدام ← آدامجېق (یازېق آدم)

قالا ← قالاجېق (کېچېک قالا)

باغچا ← باغچاچېق (کیچیک باغچا)

آنا ← آناچېق (چوخ سئویملی آنا)

خرمن ← خرمنچیک (کیچیک خرمن یئری)

• بو اک تۆرکجه میزده az اکی ایله بیرلشیب، بیرلشمیش جېغاز Cığaz اکی اولموشدور:

قېز ← قېزجېغاز

قوش ← قوشجېغاز

دئو ← دئوجیهز

جیل [۴] cil / cıl / cül / cul

• بو اک آدلارین کۆک و یا گۆوده لرینه یاپیشار و دۆشگۆنلۆک، آلېشقانلېق و بنزه رلیک آناملارې یئتیرن سۆزجۆکلر دۆزه لدر:

آئو ← آئوجیل (آئوه و انسانا آلېشان قوش)

انسان ← انسانجیل (انسانلارا افراط درجه ده سئوگی گۆسترن)

آدام ← آدامجیل (آدام یئمگی سئون قورد)

من ← منجیل (اؤزۆنۆ بگنن)

اؤلۆم ← اؤلۆمجۆل (اؤلۆ حالینا گلن)

قاباق ← قاباقجیل (قاباقدا گئدن)

ایش ← ایشجیل (غئیرتلی و ایش گۆرن)

چی [۴] çı / çu / çü / çu

• بو اک آدلارین کۆک و یا گۆوده لرینه یاپیشار و «ایش» و پئشه

آدلارې دوزهلر:

سوت ← سۆتچۆ Sütçü

اویون ← اویونچو Oyunçu

آو ← آوچې Avçı

گمی ← گمی چی Gəmiçi

چۆره ک ← چۆره کچی Çörəkçi

ایش ← ایشچی İşçi

دیش ← دیشچی Dişçi

سویغون ← سویغونچو Soyğunçu

سۆز ← سۆزچۆ Sözçü

گۆز ← گۆزچۆ Gözçü

سایا ← سایاچی Sayaçı

دیل ← دیلچی Dilçi

فلسفه ← فلسفه چی Fəlsəfəçi

- همین اک ایله سورک لی لیک و آلبشقانلیق بیلدیرن سۆزچۆکلرده تۆره تمک اولار. بئله سۆزچۆکلر «ایش» و پئشه آدلارې گۆسترمز:

اسلام ← اسلامچی (اسلامدان دفاع ائدن)

عناد ← عنادچی (عناد ائتمگی اؤزونده گۆسترن)

داعوا ← داعواچی (هی داعوا ائدن)

یالان ← یالانچی (هی یالان دانېشان)

شوخلوق ← شوخلوچچو (چوخ شوخلوق ائدن)

دار dar

• بو اک آدا یاپیشار و صاحب معناسی وئرر:

ائل ← ائلدار

دین ← دیندار

داش [۲] daş

• بو اک آد کۆکۆ و گۆوده سیننه یاپیشار. اورتاقلیق، نسبت یا گۆره لیک

آنلامی وئرر:

اک ← اکدش (دوغولو، اکیز)

یول ← یولداش (بیر یولدا گئدن)

ائو ← ائودش (ائوی بیر اولان)

آد ← آدداش (بیر آددا اولان ایکی آدم)

یورد ← یوردداش (بیر یورددا یاشایان)

چاغ ← چاغداش (بیر چاغدا یاشایان. یاشادبغی چاغ اویمان)

قاربن ← قار[بن]داش (بیر آنادان دوغان)

آرخا ← آرخاداش (بیر آرخایا دایانان)

را [۲] ra / rə

• آد و آدبلا لارا یاپیشار و یؤن گۆسترن سۆزجۆک دۆزه لدر:

ایچ ← ایچره

بو ← بورا

اؤ ← اؤرا

نه ← نه ره

دیش ← دیشرا

ها ← هارا

سال [۲] sal / səl

• بو اک فارسجادا اولان نسبت «ی» یئرینه ایشلنر:

قوم ← قومسال (شنزار)

بؤلگه ← بؤلگهسل (منطقه ای)

سیز [۴] siz / sız / süz / suz

• بو اک آدلارا یایپشار و صیفت دؤزه لدر:

قۇرخو ← قۇرخوسوز

اؤلۆم ← اؤلۆمسۆز

تریبه ← تریبه سیز

گوج ← گوجسوز

دوز ← دوزسوز

بیلگی ← بیلگی سیز

کیمسه ← کیمسه سیز

سۆن ← سۆنسوز

ذوق ← ذوقسوز

• بو اک ایکیلمه لرده دؤزه لده بیلر:

اوجسوز – بوجاقسېز، دادسېز – دوزسوز، سس سېز – سمیرسېز، ایپسېز –
ساپسېز و ...

شین [۴] şin / şın / şün / şun

• رنگ آدلارېنا یاپېشار و یاخېنېق آنلامې یئتیرر:

سارې ← سارېشېن

قا [۲] qa / qə

• بو اک ایکی سۆزجۆکده گۆرۆنۆر: باش ← باشقا / اۆز ← اۆزگه

کی [۴] ki / kı / kü / ku

• بو اک آدلار و آدسۆیلو کۆک و گۆوده لره یاپېشار و یئیه لیک و
باغلبېق آنلامې وئیرر:

دونن ← دوننکی (دوننه باغلی)

بوگۆن ← بوگۆنکۆ (بوگۆنه عائد)

آخشام ← آخشامکې (آخشام واختېنا باغلی)

• سۆزجۆکلری صیفت حالېنا سالار: کوچه ده کی آدم، ائوده کی اوشاق،
دوننکی سۆز.

• بو اک آدېل یا ضمیرلرین چکیم دورومونا یاپېشار و باغلبېق آنلامې
وئیرر:

بیزیمکی، سیزینکی، منیمکی، سنینکی، بونونکو، اونونکو و ...

• بو اک آدلارېن چکیم دورومو ایله ده ایشلنر:

قۇناغېنکې، حسنینکې، ائوینکې، ستارخانېنکې و ...

گیل gil [۱]

- بو اک سس اویومونا اویماز و قوهوملوق گۆسترن سۆزجوکلر

دۆزهدلر:

یاشار ← یاشارگیل

آنام ← آنام گیل

دایپسې ← دایپسې گیل

قاپچې ← قاپچې گیل

لی li / lı / lü / lu [۴]

- بو اک آدلارا و یئر آدلارنا یاپشار و باغلبلیق آنلامې یئتیرر:

تبریز ← تبریزلی

کند ← کندلی

گۆنئی ← گۆنئیلی

قوزئی ← قوزئیلی

شیراز ← شیرازلی

آفریقا ← آفریقالي

- آد سویلو سۆزجوکلره یاپشار و صیفت دۆزهدلر:

قۇرخو ← قۇرخولو تهران

گۆج ← گۆجلو آدم

اوس ← اوسلو اوشاق

گۆنش ← گۆنشلی هاوا

دوز ← دوزلو یئمک

اٲو ← اٲولی خانیم

• بو اک ایکیلمه لرده دۆزه لده بیلر:

دادلی - دوزلو، یئنیشلی - یوخوشلو، آلی - پوللو، ساچلی - ساققاللی،
گئجه لی - گۆندۆزلۆ، بۆیۆکلۆ - کیچیک لی

لیک [۴] lik / lık / lük / luk

• بو اک آدلارا یاپیشار، یئر آدی دوزلدهر:

کیتاب ← کیتابلیق

اودون ← اودونلوق

بادام ← باداملیق

کۆمۆر ← کۆمۆرلۆک

• آدین و آد سویلو سۆزجوکلرین آناملارینې تجریدی معنایا چکر:

آنا ← آنالېق

انسان ← انسانلیق

کیشی ← کیشی لیک

مسلمان ← مسلمانلیق

اوشاق ← اوشاقلیق

ایگید ← ایگیدلیک

• بو اک بدن عضولرینه باغلی آلت آدلاری دۆزه لدر:

گۆز ← گۆزلۆک

دیز ← دیزلیک

باش ← باشلیق

قولاق ← قولاقلیق

قولتوق ← قولتولوق

• بو اک رنگ آدلارېنا ياپېشار:

ياشېل ← ياشېلېق

آغ ← آغلیق

قارا ← قارالېق

گوئی ← گوئیلۆک

سارې ← سارېلېق

قېرمېزې ← قېرمېزېلېق

• بو اک زمان و ساي آدلارېنا ياپېشار:

گوْن ← گوْنلۆک

هفته ← هفته لیک

آی ← آیلېق

ایل ← ایللیک

اُون ← اُونلوق

کیلو ← کیلولوق

• بو اک ایش آنلامې دا وئُرر:

اؤیره نجی ← اؤیره نجیلیک

دۇقتور ← دۇقتورلوق

مهندس ← مهندسلیک

وکیل ← وکیللیک

داواچی ← داواچیلق

اوستاد ← اوستادلیق

• بو اک چی $\text{çi} / \text{çı} / \text{çü} / \text{çu}$ [۴] اکی ایله بیرلشیپ، باغلېلىق و

اۆزلیک بیلدیرن سۆزجۆکلر تۆرهدر:

آرېچی ← آرېچېلىق

اؤدونچو ← اؤدونچولوق

گئرىچی ← گئرىچىلىك

ساغچې ← ساغچېلىق

سولچو ← سولچولوق

اسلامىچی ← اسلامچىلىق

دیشچی ← دیشچىلىك

گۆزلۆکچۆ ← گۆزلۆکچۆلۆک

فلسفهچی ← فلسفهچىلىك

• بو اک آدېن گۆستردیگی آنالما باغلی و مخصوص صیفت

تخصیص ائدر:

قېش ← قېشلىق زومار (قېشا مخصوص آذوقه)

ياز ← يازلىق كۆينك (ياز مخصوص كۆينك)

یاغېش ← یاغېشلیق پالتو (یاغېشا مخصوص پالتو)

دولما ← دولمالیق بیبر (دولمایا مخصوص بیبر)

• بو اک ایکیلمه لرده دۆزه لدر:

وارلیق - یوخلوق، آزلیق - چوخلوق، آجلیق - توخلوق، گۆللۆک -
گۆلۆستانلیق.

له یین [۱] ləyin

• اسکی تۆرکجه میزده آد سزیلو سۆزجوکلردن زمان ظرفی

دۆزه لدرمیش و سس اویومونا اویمازمېش:

آخشام ← آخشام له یین

گئجه ← گئجه له یین

صباح ← صباح له یین

مان [۲] man / mən

• بو اک بنزه رلیک و مبالغه بیلدیرر:

قوجا ← قوجامان

ائل ← ائلمان

تۆرک ← تۆرکمان

اۆچونجو درس

ب) آددان فعل دۆزهلدن اكلر

آ- آ ا / ə / [ʔ]

آدلار و آدسویلو سۆزجوكلره ياپيشار و فعل دۆزهلدنر. بو اک چۆخ ايشلك دگيلدير.

بوش ← بوشاماق

ياش ← ياشاماق

قان ← قاناماق

آر ar / ər [ʔ]

رنگ آدلارينا و آدسویلو سۆزجوكلره ياپيشار و دۆنۆشلۆ معنالي فعللر دۆزهلدنر:

آغ ← آغارماق

بۆز ← بۆزارماق

قېز(بل) ← قېزارماق

قارا ← قارارماق (قارا + آر + ماق)

آد کۆکلرینه یاپیشار و کۆکلره گۆرهلیک آنلامی وئرن فعل دۆزهلدر:

کۆز ← کۆزهرمک

باش ← باشارماق

سو ← سووارماق

آل - آل [۲] al / əl

آدلارا یاپیشار و دۆنۆشلۆ (=رجعی) و ائدیلگن (=متعدی) معنالی فعللر

دۆزهلدر:

آز ← آزماق

دۆز ← دۆزهرمک

چۆخ ← چۆخالماق

یۆن ← یۆنلمک

سۆنو اۆنلۆ ایله قورتاران کۆکه یاپیشاندا، اۆنلۆسۆ دوشر:

اوجا ← اوجا + آل = اوجالماق

قېسا ← قېسا + آل = قېسالماق

ایک [۴] ik / ək / uk / ik

گئج ← گئجیکمک

آج ← آجیخماق

دار ← داریخماق

ایل [۴] il / ɪl / ül / ul

آدلارا یاپیشار و دۆنۆشلۆ و ائدیلگن آنلاملی فعللر دۆزهلدر:

دۆز ← دۆزەلمك

سۇنو اۆنلۆ ايله قورتاران كۆكلره ياپشاند، اكين اۆنلۆسۇ دۆشر:

دۇغرو ← دۇغرولماق

دورور ← دورورلماق

كيچيك ← كيچيلمك

ايمسه [۴] imsə / ɪmsə / ümsə / umsə

آد سۇيلۆ سۇجۇكلره ياپشار و فعل گۆودهسى دۆزەلدر:

من ← منيمسهمك

آز ← آزېمساماق

كيچيك ← كيچيمسهمك

دا [۲] da / də

آد سۇيلو سۇجۇكلره گلر و فعل گۆودهسى دۆزەلدر. بو اك آز ايشلنن بيير

اكدى.

پارېل (پارېلتې) ← پارېلداماق

ايشېل (ايشېلتې) ← ايشېلداماق

پيريل (پيريلتې) ← پيريلداماق

بو اك سس گۆسترن سۇجۇكلره ياپشار، فعل دۆزەلدر.

وېزېل (وېزېلتې) ← وېزېلداماق

جيوييل (جيوييلتې) ← جيوييلداماق

فېسېل (فېسېلتې) ← فېسېلداماق

گورول (گورولتو) ← گورولداماق
خورول (خورولتو) ← خورولداماق
شېققېل (شېققېلتې) ← شېققېلداماق
خېشېل (خېشېلتې) ← خېشېلداماق

سا [۲] sa / sə

آد سۆیلو سۆزجوکلره یاپیشار و ایستک و دوروم بیلدیرن فعللر دوزلو:

سو ← سوساماق
غریب ← غریبسه مک
دوراق ← دوراقسان

قیر [۴] qir / qır / qür / qur

سس گؤسترن سۆزجوکلره یاپاشار و فعل دۆزهلدر:

هېچ ← هېچقېرماق
قېش ← قېشېرماق
پۇس ← پۇسگۆرمک
آس ← آسقېرماق
تۆف ← تۆفگۆرمک (← تۆپۆرمک)

لا [۲] la / lə

چۆخ ایشلنن بیر اکدیر. آد سۆیلو سۆزجوکلردن فعل دۆزهلدر:

باش ← باشلاماق
آو ← آولاماق

آغ ← آغلاماق

دیش ← دیشلمک

ایش ← ایشلمک

یاواش ← یاواشلاماق

سلام ← سلاملاماق

سو ← سولاماق

اک ← اکلمک

تامام ← تاماملاماق

داش ← داشلاماق

بو اکا سس گۆسترن سۆزجۆکلره ده یاپیشار:

پات ← پاتلاماق

چات ← چاتلاماق

پۆف ← پۆفله مک

هاو ← هاولاماق

جېز ← جېزلاماق

لاش [۲] laş / læş

آدلارا و آدسۆیلو کۆکلره و گۆؤده لره یاپیشار و دۆنۆشلۆ آنلامی فعللر

دۆزه لدر:

پیس ← پیسشمک

فارس ← فارسلاشماق

اۆزگه ← اۆزگه لشمک
باشقا ← باشقالاشماق
اۆز ← اۆز لشمک
آغبر ← آغبر لاشماق
اوزاق ← اوزاقلاشماق
یاخبن ← یاخبنلاشماق
گۆزل ← گۆزلله شمک
چاغداش ← چاغداشلاشماق

لان [۲] lan / lən

آدلاردان فعل دۆزه لدر: آدلاربن هم کۆکلرینه و هم گۆوده لرینه یاپیشار:

باش ← باشلانماق
دویغو ← دویغوانمای
اومید ← اومید لنمک
یاش ← یاشلانماق
بولود ← بولودلانماق
غرور ← غرورلانماق

ج) فعلدن آد و آد سۆیلو سۆزچۆکلر دۆزه لدن اکلر

آ [۲] a / ə

فعللردن آد و آد سۆیلو سۆزچۆکلر دۆزه لدر:

دۇزمك (=دیزمك) ← دیزه (آبادى)

دۇغماق ← دۇغا (طبیعت)

يارماق ← يارا (بدندە ياريلاق گۇرسنن يئر، چييان)

أجاق [۲] acaq / əcək

فعلدن آد دۆزەلدر:

ايچ ← ايچەجك

گل ← گلەجك

گئى ← گئىهەجك

آل ← آلاچاق

وئر ← وئرەجك

آغان [۲] ağan / əyən

بیرلشمە اكدیر كى فعلدن آد دۆزەلدر:

دور ← دوراغان

گز ← گزەين

اؤل ← اؤلاغان

آر [۲] ar / ər

گئنىش زامان آنلامى آد و صیفت دۆزەلدن بیر اكدیر:

يازار (نویسنده)

گؤلر (خندرو)

چبخار (لیاقت)

یئتر (قېز آدی)

آنار (اۇغلان آدی)

یاشار (یاشاماق مصدریندن: یاش + ار)

آق [۲] aq / ək

چوخ ایشلهنن اکدیر، آد و آد سویلو سۆزجۆکلر دۆزهلدر:

قاچماق ← قاچاق

قورماق ← قوراق

اۆرکمک ← اۆرکک

قۇرخماق ← قۇرخان

قۇنماق ← قۇناق

قاچماق ← قاپان

سېغېنماق ← سېغېنان

دورماق ← دوراق

دېله مک ← دېلک

ایسته مک ← ایستک

پارلاماق ← پارلاق

آل [۲] al / əl

آز ایشلنن اکدیر و فعلدن آد دۆزهلدر:

دۇغماق ← دۇغال (طبیعی)

قورماق ← قورال (مقررات)

آلا [۲] ala / əla

آز ایشلینلین اکدیر و فعلدن آد دۆزهلدر:

اۋشمک ← ائشهلهمک

ایتمک ← ایتلهمک

قووماق ← قووالاماق

سرپمک ← سرپهله مک

آم [۲] am / əm

آز ایشلینلین اکدیر

آنلاماق ← آنلام

یاشاماق ← یاشام

توپلاماق ← توپلام

آن [۲] an / ən

فعلدن آد سۈیلو سۆزجۆکلر تۆرهدر. چۆخ ایشلک بیر اکدیر. بو اک ایله

دۆزلن سۆزجۆکلر، فاعیلی صیفت اولاراق ایشلهنر:

یاراتماق ← یارادان

بیلیمک ← بیلن

باخماق ← باخان

گلمک ← گلن

دۆزمک ← دۆزن

اۋخوماق ← اۋخویان

أناق [۲] anaq / ənək

یئتمک ← یئتهنک (شایستگی)

گلمک ← گلهنک (سنت و آیین)

اؤلماق ← اؤلاناق (امکان)

ای [۴] i / ı / ü / u

چوخ ایشلک اکدیر و فعلدن، آد و آدسویلو سؤزجوکلر دۆزهلدر:

سورماق ← سورور

یازماق ← یازی

اؤلچمک ← اؤلچۆ

اؤلمک ← اؤلۆ

باتماق ← باتې

اؤرتمک ← اؤرتۆ

دوغماق ← دوغو

گزمک ← گزی

ایجی [۴] ici / ıcı / ücü / ucu

آلماق ← آلېجې

ازمک ← ازېجی

ساتماق ← ساتېجې

اوخوماق ← اوخوجو

وورماق ← ووروجو

سۆرمك ← سۆرۈجۈ
 آخماق ← آخېجې
 يېخماق ← يېخېجې
 ايش [۴] iş / ış / üş / uş
 دۇنمك ← دۇنۇش
 اوچاق ← اوچوش
 چېخماق ← چېخېش
 تانېماق ← تانېش
 وورماق ← ووروش
 دېرچلمك ← دېرچەلىش
 اۋىمك ← اۋيۇش
 ياغماق ← ياغيش
 آلماق وئرمك ← آلبش وئريش
 ساتماق ← ساتېش
 تېكمك ← تېكېش
 قورتولماق ← قورتولوش
 ايك [۴] ik / iq / ük / uq
 آدلاردان ائدىلگن (مفعولى) صيقت دۆزەلدر :
 دۇنماق ← دۇنوق
 يېرتماق ← يېرتېق

سۆکمک ← سۆکۆک

پوزماق ← پوزوق

آچماق ← آچیق

سولماق ← سولوق

چاپماق ← چاپیق

بیتمک ← بییتیک

ازمک ← ازیک

یانماق ← یانیق

دۆنمک ← دۆنوک

ایم [۴] im / im / üm / um

چۆخ ایشلنن اکدیر:

اۆلمک ← اۆلۆم

دوغماق ← دوغوم

دۆنمک ← دۆنۆم

ایچمک ← ایچیم

بۆلمک ← بۆلۆم

آتماق ← آدیم

سئچمک ← سئچیم

قورتماق ← قورتوم

اينچ [۴] inc / inc / ünc / unc

اۋدەمك ← اۋدۇنچ (پرداخت)

گۈلمك ← گۈلۈنچ

سۈمك ← سۈينچ

قۇرخماق ← قۇرخونچ

ايگرنمك ← ايگرەنچ (ايگرن + اينچ = ايگرەنينچ)

قازانماق ← قازانچ (قازان + اينچ = قازانېنچ)

چى [۴] çı / çu / çü / çı

اۋيرنمك ← اۋيرەنچى

ديلمك ← ديلنچى

تى [۴] ti / tu / tü / tu

اين [۴] in / ün / un / in و ان [۲] an / ən اكلرى ايله دۆزلن فعللره

ياپىشار و آد دۆزەلدر:

باغلانماق ← باغلانتې

چېرىنماق ← چېرىنتې

اۋونماق ← اۋونتو

گۈرۈنمك ← گۈرۈنتۈ

سالانماق ← ساللانتې

تۈپلانماق ← تۈپلانتې

ديكسينمك ← ديكسينتې

قا [۴] qa / gə

سۆپۆرمک ← سۆپۆرگه

بۆلمک ← بۆلگه

بیلمک ← بیلگه

دۆنمک ← دۆنگه

قان [۲] qan / gən

بو اک اَلبشقانلېق و عادت اَنلامې سۆزجۆکلر دۆزهلدر:

ياپېش ← ياپېشقان

اَلېش ← اَلېشقان

دۇيۇش ← دۇيۇشگن

كى [۴] ki / qı / kü / qu و گى [۴] gi / ğı / gü / ğu ايشلەنن اكدیر:

يازماق ← يازغې (سرنوشت)

سيلمک ← سيلگى (پاک کن)

سایماق ← سايغې (احترام)

هۆرمک ← هۆرگۆ (بافته)

اۆلماق ← اۆلغو (حادثه)

ايچمک ← ايچگى (شراب)

دويماق ← دويغو (احساس)

سۆرماق ← سۆرغو (سؤال)

وورماق ← وورغو (تکيه)

كىن [۴] kin / qin / kün / qun و گين [۴] gin / ğin / gün / ğun چۈخ

ايشلەنن اكدير و فعللردن صيقت دۇزەلدر:

اۆزمك ← اۆزگۆن

سوزمك ← سوزگون

بيلمك ← بيلگين

جوشماق ← جوشغون

وورماق ← وورغون

سوسماق ← سوسغون

قېزماق ← قېزغېن

سئچمك ← سئچگين

داشماق ← داشغېن

يانماق ← يانغېن

ما [۲] ma / mə

دولماق ← دولما

دۆزمك ← دۆزمه

آسماق ← آسما

تۆخونماق ← تۆخونما

بۆلمك ← بۆلمه

سۆرمك ← سۆرمه

بو اک جا/ جه اکى ايله ده بيرله شر و آد دۇزەلدر:

تاپماجا، بيلمهجه، قوشماجا، سئچمهجه، دۆزمهجه.

ماج [۲] mac / məc

دۇيمك ← دۇيمج

اوغماق ← اوغماج

ماز [۲] maz / məz

فعلدن صيقت دۆزهدلر:

قورتارماز اويون، بيتمز ايش، باغيشلانپلماز گۆناه.

ماق [۲] maq / mək

آنلام باخېمېندان مصدر اكي ايله فرقله نير. فعلدن آد و آد سويلو سۆزجۆكلر

دۆزهدلر:

چاخماق (وسيله آدې)

قايماق (سرشير)

يئمك (غذا)

مان [۲] man / mən

شيشمك ← شيشمان (چاق و فربه)

اويرتمك ← اويرتمن (معلم)

اين [۴] in / ın / ün / un

ايشلك اكدير و فعلدن آد دۆزهدلر:

اکمک ← اکين

بيچمک ← بيچين

يېغماق ← يېغېن

سۇرماق ← سۇرورن (مساله)

آخماق ← آخين

سايماق ← سايين (محترم)

اينتى [۴] inti / intı / üntü / untu

تۆكمك ← تۆكۆنتۆ (باخ. (۴) kü + (۴) ti)

ساق [۲] saq / sæk

وارماق ← وارساق (چوخ گزن، عاشيق)

توتماق ← توتساق (توتولان، اسير)

ايد [۴] id / ıd / üd / ud

اومماق ← اومود

گنچمك ← گنچيد

د) فعلدن فعل دۆزهلدن اكلر

آر [۲] ar / ər

فعلين كۆك و يا گووده سينه ياپيشار ائدرگن (متعددی با گرايش فاعلی)

فعل دۆزهلدن:

چېخماق ← چېخارماق

قۇيماق ← قۇيارماق

آش [۲] aʃ / əʃ

کۆک سۈنونا ياپېشار و اورتاقلىق (= مشارکت) بیلدیرن فعل دۆزه‌لدر:

سوواماق ← سوواماق

يارماق ← ياراشماق

دالماق ← دالاشماق

گۆلمک ← گۆلشمک

تيرهمک ← تيرهشمک

اير [۴] ir / ır / ür / ur

يالېن فعلدن اتدیرگن فعل دۆزه‌لدر:

بيتکم ← بيتيرمک

ساوماق ← ساوورماق

ايچمک ← ايچيرمک

اشماق ← اشيرماق

شيشمک ← شيشيرمک

بو اکين سونونا «ت» اونسوزۆده آرتېرېلار: ايچيرتمک، شيشيرتمک و ...

ايش [۴] iʃ / ıʃ / üʃ / uʃ

فعلين سۈنونا ياپېشار و اورتاقلىق (= مشارکت) آنلامې وئرن فعللر دۆزه‌لدر:

بۆلمک ← بۆلۆشمک

گۆرمک ← گۆرۆشمک

وورماق ← ووروشماق

دۇيمك ← دۇيۇشمك

يازماق ← يازبشماق

چاتماق ← چاتبشماق

ايكله [۴] iklə / ɪqla / üklə / uqla

سورمك ← سوروكلمهك

سايماق ← سايغلاماق

ايل [۴] il / ɪl / üil / uil

فعلين كۆك و يا گۆوده سينه ياپيشار و ائديلگن (=متعددى) فعل دۆزهلدر:

آچماق ← آچيلماق

يازماق ← يازيلماق

باخماق ← باخيلماق

قاتماق ← قاتيلماق

دۆزمك ← دۆزۆلمك

بۆزمك ← بۆزۆلمك

اۋيره نمك ← اۋيره نيلمك

ايماق ← ايلماق

اۆزمك ← اۆزۆلمك

يورماق ← يورولماق

يېغماق ← يېغيلماق

چكمك ← چكيلمك

این in / in / ün / un [۴]

فعلین کۆک و یا گۆوده لرینه یاپیشار و فعلین کۆکۆنه دۆنن یئنی آنلامی دۆنۆشلۆ فعل و یا ائدیگن فعل دۆزه لدر: (ائدیگن: بو پارلتار کئچن ایل بازاردان آلبندی. دۆنۆشلۆ: اونون ازیجی سۆز لرینه چۆخ آلبندی).

آلماق ← آلینماق

سۆمک ← سۆینمک

سۆرمک ← سۆرۆنمک

گۆرمک ← گۆرونمک

گئیمک ← گئیینمک

چۆرمک ← چۆرۆنمک

اۆیمک ← اۆیۆنمک

چالماق ← چالینماق

سۆیماق ← سۆیونماق

سیلمک ← سیلینمک

بۆلمک ← بۆلۆنمک

ت - [۱]

سۆن سسی اۆنلۆ ایله قورتاران فعل کۆکۆنه یاپیشار و ائتدیریگن فعل دۆزه لدر:

آغلتماق ← آغلانماق

دینلمک ← دینلتمک

بكله مك ← بکلتمک

دير [۴] dir / dır / dūr / dur

تيكديرمک، بيلديرمک، ساتدېرماق، اۆزدۆرمک، توتدورماق، يئدير(ت)مک،
دوردورماق، يئتديرمک.

اين [۴] in / ın / ün / un اکی ایله دۆزلن دۆنۆشلۆ آنلاملی فعللری، ائتديرگن
آنلاملی ائدەر:

سئوينديرمک، کئچينديرمک، گئيينديرمک.

ايش [۴] iş / ış / üş / uş اکی ایله دۆزلن اورتاقلیق آنلاملی فعللری ائتديرگن
آنلاملی ائدەر:

بۆلۆشدۆرمک، گۆرۆشدۆرمک، دۆيۆشدۆرمک، يازېشدېرماق، چالېشدېرماق.

ن [۱] n

سېناماق ← سېناماق

اۆدهمک ← اۆدهنمک

اۆيناماق ← اۆينانماق

اۆخشاماق ← اۆخشانماق

داراماق ← دارانماق

دۆلو
آخچا
بوخچا
آز
گئتدیک
اۆز
گئتدیک
داغ
تیه
دۆز
گئتدیگ

دۆردلۆلر

(۲ + ۲)
علی / علی
اؤلما / دلی

بئشلیلر

(۲ + ۳) و (۳ + ۲)
یار! اوره گیم یار،
گۆر کی / نهلر وار!

خلقىن ايچينده

بيزه گۆلر وار.

هر كيم / مردانا،

گلسين / ميدانا.

گۆدمه سين جانين، (۲ + ۳)

كىمده / هۆنروار.

آلتىپلار

(۳+۳)

منيم بو / ياربمې

گۆرمه گه / كيم گليز

ذوق ايله / صفالار

سۆرمه گه / كيم گليز.

ياربمېن / اوزۇنۇ

سۆرم / گۆزۇنۇ

مبارك / اوزۇنۇ

گۆرمه گه / كيم گليز.

ياربمېن / ائللىرى
 اوزاقدېر / يۇللارې
 آچېلمېش / گۇللىرى
 درمەگە / كېم گلىر.
 آز سويلە / اۆز سويلە.

(۴+۲)

داغلار / دومان اولدو
 چايلار / چىمن اولدو
 گۆرمەدېم يارى من
 حالېم / يامان اولدو

يئددىلىلر

(۴+۳)

عزىزىم / ھارايېندان
 ائل ياتماز / ھارايېندان
 گۆندە بىر / كرېيچ دۆشۆر
 عۆمرۆمۆن / سارايېندان.

(۳+۴)

آلما وئرسىم / آلمازسان

سن آلمادان / قالمازسان
هانسي باغين / گولوسن
ايگله ديكجه / سولمازسان

سكگيز ليلر

بؤلگولرى (۴+۴)، (۵+۳)، (۲+۶)، (۶+۲)، (۲+۳+۳) دير.
(۴ + ۴)

گندين دئيين / خان چوبانا
گلمه سين بو / ايل مغانا
گلسه قالار / ناحق قانا
آپاردى سئل / لر سارانى

دوققوزلولار

بؤلگولرى (۳+۶)، (۶+۳)، (۵+۴)، (۴+۵) دير.
(۴ + ۵)

يات آرزو قېزېم / بئشيگينده
قۇى آنان دورسون / كئشيگينده

اؤنلولا

(۵ + ۵)

باخ بويار بېمن / آلا گوزؤنه
سحر گونشى / ده گميش اوزؤنه

ظۆلمۆن كمرى / باغلي بئلينه

سيتم خنجرين / ألمبش اليه

اؤن بير ليلر

بۆلگۆلرى (۵+۶)، (۳+۴+۴)، (۷+۴)، (۴+۷)، (۶+۵) دير.

(۵ + ۶)

اورداكې ديل آغيز / سۆزدن اوسانار

سۆروشون مطلبى / اللر سؤيله سين

دۇداق دانپشارسا / اود توتار يانار

گره كدير زخمه لر / تتلر سؤيله سين.

(۳ + ۴ + ۴)

حيدر بابا / ايلدېر بملار / شاخاندا

سئلر، سولار / شاققېلدايىب / آخاندا،

قېزلار اونا / صف باغلايىب / باخاندا،

سلام اولسون / شؤوكتيزه / ائليزه،

منيم ده بير / آدېم گل سين / ديليزه.

اؤن ايكيلى لر

(۵+۷)

بير سون باهار آخسامې / ساحيللر ده يم

غملى بير هيكل كيمي / قايا لاردا من

داغېنىق ساچلار بېمدان / پرواسېز اسن
روزگارلار بېن الينده / قېرىق بېر نى ام

دنىز منە خاطرلار / كىمسەسىزلىگىمى
گۆز ياشلار يله دۆشر / دالغالار قوما
قورو بېر يولدايام من / خستە روھوما
ھەركىم يابانجى، كىمدن / سۆرۈشۈم كىمى؟
(۵ + ۳ + ۴)

دومانلارلا / اۋرتۈنن / بېر دنىز كىمى
جانلانماقدا / ان حزين / دالغالار منده
گۆزلە يېرىك / يىوانى / ايندى باخچادا
من كىمسەسىز، / آغاجلار / كىمسەسىز كىمى
(۴+۴+۴)

اى اتالار / يوردداقانا / بولاشانلار
اى مېنلرجه / تك باشېنا / يئرىيەنلر
اى دئولرېن / لشكرىنى / سۆرۈينلر
اى مراما / قان ايچىندە / اولاشانلار

اۋن اۋچلۇلر

(۵ + ۴ + ۴)

بېز كىملرېك / بېز آلتايدن / گلن ائللرېك

آذربايجان / تورپاغيندا / جۇشان گۇللىرىك

ايللردير كى / بىر قېلىنچىم / قالمىش قېنىندا
كىمسەسىز دۇرد / يانېمدادير / بىر ديوار كىمى
مضطربم / بو ديوارين / بىر طرفيندن
شفتينه / ايناندىغىم / بىرى وار كىمى

اۇن دۇردلۇلر

بىر كز اوزونو گۇرن / عۇمرۇنجه اونوتمايا،
تسبىحى سن اولارسان / او، آيرى دين توتمايا.
من سنى سئودىگىمه / بها دىلرلر ايسه،
ايكى جهان مۇلكۇنۇ / وئريب بها بيتمه يه.
گۇل و ريحان قۇخوسو / عاشيق ايله معشوقدور،
عاشيق معشوقهسى / هئج گۇزۇندن گئتمه يه.

قايلېقلاردا بىر گنج / اولدۇگۇ گۇن بو كندىن
ائلى سنى قارانلىق / رۇيالارېندا گۇرمۇش
اي يادى كۇنلۇمۇزدن / چېخمايان آفت سنىن
سۇمه دىكلرين دگىل / سئودىكلرين اولۇرمۇش.

تهرانين غئيرتى يوخ / شھريارى ساخلاماغا،
گئديرم تېريزه قۇى / ياخشى يامان بللەنسىن.

اۈن بئشلىلر

(۳ + ۴ + ۴ + ۴)

من ايتيرديم، / من آرام، / يار منىمدير / كيمه نه،
 گاه گئدرم / اۈز باغېما / گۆل درهرم / كيمه نه.
 نسيمى يه / سۆردولاركى / يارين ايله / خوشموسان؟
 خوش اۈلايېم / خوش اولمايېم / او يار منيم / كيمه نه!
 من ان حقير / بير انساني / قارداش بيلن / بير روحام،
 منده اسير / ياراتمايان / بير تانري يا / ايمان وار.

اۈن آلتېلې

(۴ + ۴ + ۴ + ۴)

ئىدىم من بو / كۆنۆل ايله / منيم ايله / بئله دورماز،
 معشوق اۈزۈن / گۆردۆ مگر / اۈيۈتله ييب / اۈيۈد آلماز.
 كۆنلۆم داھې / جانېم داھې / ال بير ائتىدى / اۈل ايكيسى،
 يۈز مين يونس / دن فراغت / دوست اۈزۈندن / گۆزۈن ايرمز.
 غريب بۆلبۆل / اوزاقلاردا / اۈخور الله / دئيه - دئيه،
 ايرېلېقلار / اولۇملردن / بتر الله / دئيه - دئيه.
 آذر اۈغلوم / سنين آدېن / بو دۇنيادا / ان خوش سىدىر،
 سنين فيكرين / عاغلا گلن / هر كلمه دن / مقدسىدىر.

سنين دويغون / اۆرکلرين / ان مبارک / سئوداسېدېر،
سنين دردين / بئيينلرين / ان آتئين عنقاسېدېر.
سن فريادا / باشلاياندا / طمع، غرض / بۆتۆن سوسار،
محبتلر / سنين فطرى / حقوقونا / يۇللار آچار.
ياناقلارا / آجې وداع / گۆز ياشلارې / آغې تۆكر،
بئشيكلره / معبدلره / هر بوجاغا / ياسلار چۆكر.

من بو اوزون / ساحيللرده / دوروب فيكره / دالمامېشام،
گۆزل تبريز / ائللرينده / بير گۆن قوناق / قالمامېشام.

بشینیجی درس

دئییم بیلگیسی

دئییم ایکی ویا داها چوخ سۆزجۆکدن قورولار. دئییم آدلانان سۆزجۆکلر سۆزجۆکلر گئچک آناملارې دېشېندا بېر آناملدا وئیرلر. دئییملرین آناملې، دوغان سۆزجۆکلردن داها گۆجلۆ و داها گۆزل اولار. دېلیمزه گۆزهللیک و گۆجلۆ آنالتمې گۆجۆ قازاندېران دئییملر، بېلیمهین بېر اوزاق کئچمیشده یازانمېشلار. تۆرکجهمیز دئییملر باخېمېندان چوخ زنگین بېر دېلیر. دېلیمیزده کی دئییملر، کۆکلنمیش و قالېباشمېش سۆزجۆکلر سایېلېر و جۆره-جۆره یئلرده ایشلهنیرلر. دئییملرین بېچیملرینه گۆره دۆرد اۆزهللک لری واردېر:

۱. قالېباشمېش سۆزجۆکلر

دئییملرده ایشلنن سۆزجۆکلری، ائللر قالېباشمېش دوروما سالمېشلار. بئله کی قالېب ایچینده اولان سۆزجۆکلری، باشقا آناملې سۆزجۆک ایله ده گیشدیرمک اولماز.

میثال اۆچۆن یۆز ایللردن بری ائللریمیز «اۆز الیم، اۆز باشیم» دئییمینی ایشله دیرلر. اؤنو «اۆز الیم، اۆز آیاغیم» دئمک اولماز. و یا «گۆزدن سالماق» دئییمینی «قولاقدان سالماق»، «اوغرو پیشیک» دئییمینی «اوغرو ایت» و «باشی خئیرلی» دئییمینی «الی خئیرلی» حالینا گتیرمک اولماز. ولاکین «باشیم آتدی» دئییم، باشقا یۆره لرده «بئینیم آتدی» قالپیندا دا ایشله نیلیر. بورادا «بئین» سۆزۆ «باش» سۆزۆنۆن قارشیلېغی کیمی آلېنېر. بئله لیکله دئمە لیک کی دئییملر، قالپلاشمېش سۆزجوکلر دیرلر و ده گیشیلمه یالئیز یۆره دن یۆره یه، سۆزجوکلرین قارشیلېقلارېنا باغلانېر:

میثال: آغزی نېن سویو آخماق، یئر آلتېندان یاسا گئدمک، مین دره نین سویون قاتماق، آجې سۆز، اللی آیاقلې، دده ننه الینه باخماق، آچېق آغز، دیل تۆکمک، دیلی باشلې، همدان اوزاق کردیسی یاخېن، قېزېم سنه دئییرم گلینیم سن اثشیت، آغزی دیلی یۆخدور، قاشېق ایله دوه دویورماق، اوره گی نازیک، آج گۆز و

۲. اۆلچۆلۆ – اویاقلې

دئییملرین چۆخوندا اۆلچۆ و اویاق دا واردېر. بونلارا «اۆلچۆلۆ – اویاقلې» دئییملر دئییلیر. قالپلاشمېش بیچیمیده گلن اویاقلارېن بیر چۆخو، آنلامسېزدېرلار و یالئیز یاددا قالماق اۆچۆن آرتېرېلېرلار.

ایکی تویوق / بیر کنده، / اودا منده (۴ + ۳ + ۴)
 آیدان ایلدن / بیر ناماز / اونودا / شیطان قویماز (۴ + ۳ + ۳ + ۴)
 اوما – اوما، / دۆندۆک موما (۴+۴)

على - على، / اولما دلى (۴+۴)
سندن حرکت، / حقدن برکت (۵+۵)
سن آغا من آغا، / قویونو کیم ساغا (۶+۶)
آدام واردېر / آداملارېن / باخشې دیر (۳+۴+۴)
آدام واردېر / دیندیرمه سن / یاشخې دیر

۳. دانېشېق بیچیمینده اولان دئیملر

بیر پارا دئیملر، دانېشېق حالېندادېرلار
دوهیه دئدیلر: - بوینون اگریدیر، دئدی: - هارام دوزدورکی؟

* * *

ملاییم آغا!

* * *

- دده منی قوردا وئرمه.

- قورخما بالا وئرمم.

۴. بیر ناغېل و یا اولای نتیجهسی

بعضی دئیملر، بیر ناغېل و یا اولای و حادثه نین نتیجهسی کیمی دئییلیر:

داعوا یورقان اوستونده ایدی!

یه اتگییم یه!

ددهسین کور ائله مک!

۵. جمله بیچیمینده اولان

بیر چوخ دئیملر جمله بیچیمی حالینا گلمیشلر.

یئر آلتیندان یاسا گئدیر

سیللی ایله اؤز قېزاردېر

باشې گؤرا تیره بیر

ایکی قارداش ساواشدې، ابله بونا ایناندې

انامېن آغ سوتو کیمی حلال اولسون

چوخو گئتدی آزې قالدې

یئل تۆپۆردۆ، سئل گۆتۆردۆ

اونون اله میس، اله گینی آسمېش

قوش اوچماز، کروان کئچمز

آل گۆلۆم، وئر گۆلۆم

گۆزۆن تۆپراق دویورمور

۶. دئییملرده آنلام

دئییملرده سۆزجوکلرین کۆک آنلامې ایتیب، باشقا گیزلی بیر آنلام،

گۆزلجه سینه گۆز اؤنونه گلر. میثال: «اؤزۆنۆ گۆزه سوخماق» دئییمینده،

بگئدیرمک و سئودیرمک کیمی گیزلی بیر آنلام واردېر.

پېجاق سوموگه دایاندې

آتا ات، ایته اوت وئردی

ايگنه ايله گور ائشيرم
تيكان اوستونده اوتورموشام
ساچنې سوپورگه ائلهدى
گويدە اختاربرام، يئردە تاپيرام.

۷. گئچك آنلام

بعضى دئيملر ايسه سوزجوكلرين گئچك و كووك آناملارېندا ايشلەنر:
ياخشې يا ياخشې پيسه پيس
الله منە وئرسين، من دە سنە وئريم
اغزېوې خئيره آچ
چوخو گئديب، آزې قالب
آلان راضى، ساتان راضى
جانېن ساغ اولسون

۸. دئيم ايله اصطلاحېن فرقى

دئيم هر جورە يازې و دانېشما ديليندە واردېر. اصطلاح ايسه بير بيليم، بير ايش و بير صيفت سوزدور و بيرلشيك سوزجوكدور: بيلگى سايار، بلگه يازار، بيچردوير.

۹. دئيم ايله آتالار سوزلرىن فرقى

دئيم آنلامې كسين كس اولماز، يالئز بير دوروم و بير آنلامې بيلديرەر.

آتالار سۆزۆ ایسه بیر حکم و دگیشمز بیر دؤغرونو بیلدیرر. «ات دېرناق اولماق» بیر دئییمدیر و لاکین «ات دېرناقدان آیرېلماز» بیر آتالار سۆزۆدۆر. «ایشلمهک دیشلمهک» دئییمدیر و لاکین «ایشلمه مەین دیشلمز» آتالار سۆزۆدۆر.

آتالار سۆزۆ یولو ایله، انسانلار درس و اویؤد وئریلر و گئرجکلر بیلدیریلر و لاکین دئییملرین یولو ایله بیر آنلام، اؤزل قالب ایچینده یادا گؤزل بیر آنلاتیم ایله بیلدیریلر.

۱۰. دئییم ایله آرگنون فرقی

آرگو ائله بیر سۆزدور کی یالنبز بیر ایش و بیر پئشه آدمالاری آراسیندا ایشلنر. بونلارا «آرگو دئییمی» ده دئمک اولار. میثال: کیلاس قویور، ضایع!، افه ائلمه، تابلوسان!، ائند اولدو. یالنبز گئرجک و کؤک آناملاردا ایشلنن دئییملری. باشقا دیله چئویرمک اولار. باشقا دئییملری چئویرمک اولماز. اونلار هر دیلده گرک «ائش آنلام» (=معادل) تاپیلسین. تۆرکجه میزده اؤن مینه یاخېن دئییم واردېر. باشقا دیلر بو باخېمدان تۆرکجه میزدن چۆخ گئری ده دیرلر.